

نگاهی به زندگی حضرت فاطمه زهرا (ع) در منابع اهل سنت

علی جباری*

مقدمه

جایگاه حضرت فاطمه زهرا (ع) در منابع اهل سنت، به عنوان بانوی همه خوبی‌ها و واجد همه فضایل انسانی و الهی مطرح است. شخصیت آن حضرت چنان گسترده و دریای فضایلش چنان بیکران است که زبان و قلم از بیان آن قاصر است، اما در عین حال برخی از صاحبان اندیشه و عالمان اهل سنت، به گوشه‌هایی از فضایل حضرت فاطمه زهرا (ع)، این گلوازه آفرینش پرداخته‌اند. نوشتار پیش رو می‌کوشد برخی از فضایل وجود مقدس حضرت فاطمه (ع) را در منابع اهل سنت تبیین کند.

ولادت

نطفه حضرت فاطمه زهرا (ع) با سیب بهشتی اهدا شده به پیامبر (ص) در شب اسراء منعقد شد.^۱ پدرش، پیامبر گرامی اسلام، حضرت محمد (ص) و مادرش، خدیجه بنت خویلد است.^۲ خدیجه، زنی دورانیش و خردمند بود که دارای نسب عالی، مقام والا و اموال فراوانی بود و بسیاری از مردان عرب در آرزوی ازدواج با او به سر می‌بردند، ولی او زندگی با پیامبر (ص) را بر همه چیز ترجیح داد.^۳ به سبب آنکه حضرت زهرا (ع) و ذریه و دوستدارانش از آتش جهنم دور خواهند

* کارشناس ارشد تاریخ تشیع و پژوهشگر تاریخ مرکز تحقیقات کامپیوتری نور.

۱. محمد بن یوسف زرنندی، نظم در السمطين، ص ۲۳۴.

۲. علی بن محمد ابن اثیر جزری، اسد الغابة فی معرفة الصحابة، ج ۶، ص ۲۲۰.

۳. علی بن احمد ابن صباغ مالکی، الفصول المهمة، ج ۱، ص ۶۷۵ و ۶۷۶.

بود، نام «فاطمه» برای آن حضرت انتخاب شده است.^۱ کنیه آن حضرت، «ام‌ابیه‌ها»^۲ بود و زهرا،^۳ بتول^۴ و عذرا^۵ نیز از القاب ایشان است.

ازدواج

با توجه به موقعیت ممتاز نبی مکرم اسلام ﷺ و شخصیت عالی حضرت فاطمه علیها السلام، افراد سرشناس زیادی از جمله ابوبکر و عمر در صدد بودند که به افتخار دامادی پیامبر اکرم ﷺ نایل آیند، اما رسول‌خدا ﷺ به هیچ کدام جواب مثبت نداد و به امر خداوند،^۶ دخترش را در ماه رمضان سال دوم هجری^۷ به ازدواج امام علی علیهما السلام درآورد. پیامبر اکرم ﷺ علاقه فراوانی به امام علی علیهما السلام داشت و آن حضرت را برای دخترش فاطمه علیها السلام این گونه وصف کرد: «انکحتک اکثرهم علماً، و افضلهم حِلماً، و اولهم سلماً»^۸ تو را به ازدواج عالم‌ترین و حلیم‌ترین و اولین مسلمان در آوردم.

امام علی علیهما السلام هنگام ازدواج، بهره چندانی از مال دنیا نداشت؛ از این رو برای تأمین مهریه حضرت فاطمه علیها السلام زره خود را فروخت^۹ و مبلغ آن را تقدیم پیامبر ﷺ کرد. شب ازدواج امام علی علیهما السلام و حضرت فاطمه علیها السلام، پیامبر اکرم ﷺ وضو گرفت و آب وضو را بر صورت علی علیهما السلام پاشید و برای آن‌ها این گونه دعا کرد: «اللَّهُمَّ بَارِكْ فِيهِمَا، وَ بَارِكْ عَلَيْهِمَا، وَ بَارِكْ لَهُمَا فِي نَسْلِهِمَا»^{۱۰} خدایا در زندگی و نسل آنها برکت قرار بده. به مناسبت این ازدواج، جشنی در بهشت برپا شد، و بهشت را آذین‌بندی کردند و جبرئیل، میکائیل و اسرافیل در جشن ازدواج فاطمه علیها السلام شرکت^{۱۱} و شادمانی کردند.^{۱۲}

۱. محب‌الدین احمد بن عبدالله طبری، ذخائر العقبی، ج ۱، ص ۱۳۳.

۲. احمد بن علی عسقلانی، الاصابه فی تمییز الصحابه، ج ۸، ص ۲۶۲.

۳. همان.

۴. محمد بن معتمد بدخشانی، نزل الابرار، ص ۱۳۱.

۵. فضل بن روزبهان خنجی، وسیله الخادم، ص ۱۴۴.

۶. احمد بن شعیب نسائی، السنن الکبری، ص ۱۲۶.

۷. ابوالفرج عبدالرحمن بن علی ابن‌الجوزی، صفة الصفوة، ج ۲، ص ۵.

۸. محمد بن احمد ذهبی، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام، ج ۶، ص ۶۲۸.

۹. عبدالله بن مسلم ابن‌قتیبہ، عیون الاخبار، ج ۴، ص ۶۹.

۱۰. علی بن محمد ابن‌اثیر جزری، اسد الغابة فی معرفة الصحابة، ج ۶، ص ۲۲۲.

۱۱. علی بن محمد ابن‌مغازلی، مناقب اهل‌البيت علیهم السلام، ص ۴۰۶.

۱۲. موفق بن احمد خطیب خوارزمی، المناقب، ص ۳۳۷.

میکائیل، جبرائیل و صرصائیل شاهدان این ازدواج بودند.^۱ امام علی (علیه السلام) و حضرت زهرا (علیها السلام) زندگی بسیار ساده و زاهدانه‌ای داشتند؛ چنانکه امام علی (علیه السلام) در این باره می‌فرماید: «هنگام شروع زندگی غیر از پوست گوسفندی که شب‌ها بر روی آن می‌خوابیدیم، چیز دیگری نداشتیم».^۲ علاقه امام علی (علیه السلام) به حضرت فاطمه (علیها السلام) به گونه‌ای بود که تا زمان حیات حضرت فاطمه (علیها السلام) با زن دیگری ازدواج نکرد.^۳ حاصل این ازدواج پر برکت، امام حسن (علیه السلام)، امام حسین (علیه السلام)، حضرت ام‌کلثوم (علیها السلام) و حضرت زینب (علیها السلام) بودند.^۴ بر اساس برخی منابع، آخرین فرزند آن‌ها به نام «محسن» در کودکی به شهادت رسید.^۵ حضرت فاطمه (علیها السلام) پس از تولد هر یک از فرزندان خویش، موی سر آن‌ها را می‌تراشید و به میزان آن، طلا صدقه می‌داد.^۶

فاطمه (علیها السلام) در قرآن

نویسندگان اهل سنت معمولاً رسول‌خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)، امام علی (علیه السلام)، حضرت فاطمه (علیها السلام)، امام حسن (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) را مصداق «اهل بیت» دانسته‌اند؛ اگرچه برخی همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را نیز شامل اهل بیت (علیهم السلام) و داخل در آیه تطهیر دانسته‌اند. در کتاب‌های اهل سنت دست‌کم چهار آیه قرآن درباره اهل بیت (علیهم السلام) و مناقب ایشان ذکر شده است که حضرت زهرا (علیها السلام) نیز یکی از اهل بیت (علیهم السلام) است.

۱. آیه تطهیر

قرآن کریم در آیه ۳۳ سوره احزاب فرموده است: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» خداوند فقط می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد». برخی نویسندگان اهل سنت، این آیه را درباره اهل کساء (محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین (علیهم السلام)) دانسته‌اند که همان خاندان نبوت هستند.^۷ پس از نزول آیه تطهیر، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) که در خانه ام‌سلمه بود، علی (علیه السلام) و

۱. همان، ص ۳۴۰.

۲. ابوالفرج عبدالرحمن بن علی ابن‌الجوزی، *صفة الصفوة*، ج ۲، ص ۵.

۳. محمد بن جریر طبری، *تاریخ طبری*، ج ۵، ص ۱۵۳.

۴. یوسف بن عبدالله قرطبی، *الاستیعاب فی معرفة الاصحاب*، ج ۴، ص ۱۸۹۴.

۵. یوسف بن غزاوولی سبط ابن‌جوزی، *تذکرة الخواص*، ج ۱، ص ۲۸۹.

۶. عبدالرزاق بن همام صنعانی، *المصنف*، ج ۴، ص ۳۳۳.

۷. عبیدالله بن عبدالله حسکانی، *شواهد التنزیل*، ج ۲، ص ۱۸.

فاطمه علیها السلام و حسنین علیهما السلام را نزد خود خواند و عباى خویش را روی آنها کشید و فرمود: «هؤلاء أهل بيتي، فأذهب عنهم الرجس وطهرهم تطهيرا». ام سلمه پرسید: «یا رسول الله! آیا من هم با آنها هستم؟». حضرت فرمود: «در مکان خودت بنشین، تو بر خیر هستی».^۱

۲. آیه هل أتى

خداوند در آیه ۸ سوره انسان فرموده است: «وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا؛ و طعام را در حالی که خود دوستش دارند، به مسکین و یتیم و اسیر می خورانند». شأن نزول آیه چنین است که امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام بیمار شدند. حضرت علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام نذر کردند که اگر حسنین علیهما السلام بهبود یابند، سه روز روزه بگیرند. پس از بهبودی آنان، خانواده امام علی علیه السلام روزه گرفتند؛ اما تا سه روز غذای خویش را هنگام افطار به کسانی بخشیدند که به آنها مراجعه کردند. بیشتر نویسندگان اهل سنت، وقوع این حادثه و در پی آن نزول آیه یاد شده را در مناقب اهل بیت علیهم السلام نوشته و تأیید کرده اند.^۲

۳. آیه مَوَدَّتْ

خداوند در آیه ۲۳ سوره شوری می فرماید: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ؛ بگو بر این رسالت مزدی از شما، جز دوست داشتن خویشاوندان نمی خواهم و هر که کار نیکی کند، به نیکویی اش می افزایم؛ زیرا خدا آمرزنده و شکرپذیر است». برخی نویسندگان اهل سنت این آیه را درباره اهل بیت علیهم السلام یعنی امام علی علیه السلام، فاطمه زهرا علیها السلام و حسنین علیهما السلام دانسته اند.^۳

۴. آیه مباحله

در آیه ۶۱ سوره آل عمران آمده است: «... فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَابْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ؛ ... بگو بیایید تا حاضر

۱. علی بن محمد ابن اثیر جزری، اسد الغابة فی معرفة الصحابة، ج ۱، ص ۴۹۰.

۲. علی بن محمد ابن مغازلی، مناقب اهل البيت (ع)، ص ۲۷۲.

۳. محمد بن اسماعیل البخاری، صحیح البخاری، ج ۶، ص ۵۰۲ (۱۲۴۵)، علاء الدین علی ابن بلبان فارسی، صحیح ابن حبان بترتیب ابن بلبان، ج ۱۴، ص ۱۵۷ (۶۲۶۲).

آوریم ما فرزندان خود را و شما فرزندان خود را، ما زنان خود را و شما زنان خود را، ما برادران خود را و شما برادران خود را. آنگاه دعا و تضرع کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان بفرستیم».

اگر چه برخی نویسندگان اهل سنت با تعمیم آیات پیشین تلاش کردند دیگران را در امتیازها و ویژگی‌های اهل بیت (علیهم السلام) شریک گردانند، اما هیچ نویسنده‌ای نتوانسته آیه مباهله را از اهل بیت (علیهم السلام)، یعنی پیامبر (صلی الله علیه و آله) و امام علی (علیه السلام)، فاطمه زهرا (علیها السلام) و حسین (علیه السلام) منصرف کند. همگان معترفند که تنها همین افراد در داستان مباهله شرکت کردند. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و امام علی (علیه السلام) به عنوان «انفسنا»، امام حسن (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) به عنوان «ابناءنا» و فاطمه زهرا (علیها السلام) به عنوان «نساءنا» در مباهله شرکت نمودند. اگر چه واژه «نساءنا» در آیه می‌توانست مستمسک برخی زنان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) قرار گیرد، اما همه نویسندگان شناخته شده اهل سنت معترفند که این واژه تنها شامل حضرت زهرا (علیها السلام) شده است.^۱ ابن تیمیه نیز افراد شرکت‌کننده را همان اصحاب کساء می‌داند، اما برای اینکه حضور ایشان به عنوان امتیازی برای پنج تن تلقی نشود؛ وجه آن را اقربیت ایشان به پیامبر (صلی الله علیه و آله) - نه فضیلت - ایشان دانسته است.^۲ این خط و شیوه‌ای است که برخی نویسندگان تندرو اهل سنت، مانند ابن تیمیه درباره فضایل اهل بیت (علیهم السلام) پیموده و کوشیده‌اند هیچ امتیاز ویژه و منحصری برای اهل بیت (علیهم السلام) در برابر صحابه ثبت و مسجل نگردد.

مناقب و ویژگی‌ها

برای حضرت زهرا (علیها السلام) ویژگی‌ها و مناقب بسیاری ذکر شده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

۱. سیده نساء العالمین است؛ یعنی فاطمه (علیها السلام) سرور زنان دو عالم است.^۳
۲. نسل پیامبر (صلی الله علیه و آله) از فاطمه زهرا (علیها السلام) ادامه یافت.^۴
۳. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) وقتی از سفر باز می‌گشت، فاطمه (علیها السلام) را می‌بوسید.^۵ به پیامبر (صلی الله علیه و آله)

۱. محمد بن احمد ذهبی، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام، ج ۳، ص ۶۲۷.

۲. تقی الدین احمد بن عبدالحلیم ابن تیمیه، منهاج السنة النبویة، ج ۴، ص ۲۷.

۳. عبدالله بن محمد ابی شیبہ، المصنف فی الاحادیث و الآثار، ج ۷، ص ۵۲۷.

۴. احمد بن علی عسقلانی، الاصابة فی تمییز الصحابة، ج ۸، ص ۲۶۳.

۵. علی بن محمد ابن اثیر جزیری، اسد الغابة فی معرفة الصحابة، ج ۶، ص ۲۲۴.

عرض شد که چرا فاطمه علیها السلام را زیاد می بوسی؟ فرمود: «وقتی مشتاق بوی بهشت می شوم، فاطمه علیها السلام را می بوسم».^۱

۴. فاطمه علیها السلام آخرین کسی بود که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با او وداع می کرد و وقتی از سفر برمی گشت، اولین نفری بود که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به دیدار او می رفت.^۲

۵. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «فاطمة بضعة منی^۳ فمن آذاها فقد آذانی و من آذانی فقد آذى الله؛^۴ فاطمه علیها السلام پاره تن من است. پس هر کس او را اذیت کند، مرا اذیت کرده و هر که مرا اذیت کند، خدا را اذیت کرده است».

۶. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام فرمود: «أنا حربٌ لمن حاربتم و سلمٌ لمن سالمتم»؛^۵ من دشمن دشمنان شما، و دوست دوستان شما هستم».

۷. روزی امام علی علیه السلام گردنبند طلائی را به فاطمه علیها السلام هدیه نمود. وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به خانه دخترش آمد و گردنبند را دید، از این عمل ابراز نارضایتی کرد. فاطمه علیها السلام گردنبند را برای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرستاد تا در هر راهی که صلاح می داند، مصرف کند. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نیز با پول گردنبند، کنیزی خرید و به فاطمه علیها السلام بخشید و ایشان نیز کنیز را در راه خدا آزاد کرد.^۶

۸. خداوند با غضب فاطمه علیها السلام غضبناک، و با رضایت او راضی می شود.^۷

۹. فاطمه علیها السلام محبوب ترین فرد نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بود.^۸ جمیع بن عمیر می گوید: بر عایشه وارد شدم و از او سؤال کردم که محبوب ترین فرد نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم کیست؟ گفت: فاطمه علیها السلام. گفتم: از مردان چه کسی؟ گفت: شوهر فاطمه، علی علیه السلام.^۹

۱۰. به استناد آیات قرآن ذریه فاطمه علیها السلام، همان ذریه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هستند. خداوند متعال در قرآن کریم عیسی علیه السلام را که از ناحیه مادر به حضرت نوح علیه السلام می رسد، جزو ذریه

۱. محمد بن یوسف زرنندی، نظم درر السمطین، ص ۲۳۵.

۲. همان، ص ۲۳۴.

۳. عبدالله بن محمد ابی شیبہ، المصنف فی الاحادیث و الآثار، ج ۷، ص ۵۲۷.

۴. علی بن محمد ابن صباغ مالکی، الفصول المهمة، ج ۱، ص ۶۶۴.

۵. علی بن محمد ابن اثیر جزیری، اسد الغابة فی معرفة الصحابة، ج ۶، ص ۲۲۵.

۶. عمر بن احمد ابن شاهین، فضائل فاطمة الزهراء، ص ۲۷.

۷. سلیمان بن احمد طبرانی، المعجم الکبیر، ص ۴۰۱.

۸. محمد بن عیسی الترمذی، سنن الترمذی، ج ۶، ص ۱۷۶.

۹. محمد بن یوسف زرنندی، نظم درر السمطین، ص ۲۳۵.

آن حضرت بر شمرده است.^۱

۱۱. عایشه می گوید: «ما رأیت أحدا کان أشبه كلاما وحديثا برسول الله ﷺ من فاطمة، وکانت إذا دخلت علیه قام إليها فقبلها ورَّحَّبَ بها؛^۲ کسی را در کلام و گفتار شبیه تر از فاطمه به پیامبر ﷺ ندیدم. هرگاه فاطمه بر رسول خدا ﷺ وارد می شد، پدرش به احترام او می ایستاد و او را می بوسید و خوشامد می گفت».

۱۲. دست های فاطمه (علیها السلام) بر اثر کار در منزل و آسیاب کردن، زخمی شده بود. امام علی (علیه السلام) به او گفت: «نزد پیامبر ﷺ برو و از او بخواه که خادمی برای تو قرار دهد». فاطمه (علیها السلام) دو مرتبه نزد پیامبر ﷺ رفت، ولی موفق به ملاقات با ایشان نشد تا اینکه پیامبر ﷺ به منزل آن ها تشریف آورد و فرمود: «گویا فاطمه (علیها السلام) دو مرتبه سراغ من آمده». سپس فرمود: «خواسته ات چیست دخترم؟». فاطمه (علیه السلام) حیا کرد که حرفی بزند و امام علی (علیه السلام) ماجرا را برای ایشان تعریف کرد. پیامبر ﷺ فرمود: «چیزی به شما می آموزم که برای شما بهتر و سودمندتر باشد. هر گاه در بستر خواب قرار گرفتید، ۳۳ مرتبه سبحان الله، ۳۳ مرتبه الحمد لله و ۳۴ مرتبه الله اکبر بگویید. این از خواسته ای که شما داشتید، برایتان بهتر است». علی (علیه السلام) می فرماید: «بعد از این فرمایش پیامبر ﷺ، ما هرگز این کار را ترک نکردیم».^۳ این تسبیحات، به تسبیحات حضرت زهرا (علیها السلام) مشهور شده است.

۱۳. رسول خدا ﷺ در تقسیم کارها میان حضرت فاطمه (علیها السلام) و همسرش علی (علیه السلام)، کارهای خانه را به فاطمه (علیه السلام) و کارهای بیرون از خانه را به امام علی (علیه السلام) واگذار کرد.^۴

۱۴. رسول خدا ﷺ هنگامی که از جنگ باز می گشت، فاطمه (علیه السلام) را می بوسید.^۵

۱۵. حدیث کساء، در شأن فاطمه (علیه السلام) و همسر و فرزندان او وارد شده است.^۶

در سوگ پدر

رحلت پیامبر اکرم ﷺ برای دخترش بسیار سخت و جانکاه بود. او در سوگ پدر

۱. محمد بن یوسف گنجی شافعی، کفایة الطالب، ص ۳۸۰.

۲. یوسف بن عبدالله قرطبی، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، ج ۴، ص ۱۸۹۶.

۳. عبدالرزاق بن همام صنعانی، المصنف، ج ۱۱، ص ۳۳.

۴. عبدالله بن محمد ابی شیبہ، المصنف فی الاحادیث و الآثار، ج ۷، ص ۸ و ۱۵۷.

۵. همان، ج ۳، ص ۴۶۰.

۶. همان، ج ۷، ص ۵۰۱.

مهربانش گریه می کرد و این اشعار را می خواند:
 آبی وا آبتاه آجاب رَبِّا دَعاہ

پدرجان! ای کسی که دعوت پروردگارت را اجابت کرده ای
 جَنَّةُ الْفِرْدَوْسِ مَأْوَاهُ مَنْ رَبُّهُ مَا آدَنَاهُ

ای کسی که فردوس برین جای توست! چقدر به پروردگارت نزدیک شده ای!
 اِلٰی جِبْرِئِلَ نَنعَاهُ^۱

ما خبر رحلت را به جبرئیل می دهیم.

فاطمه علیها السلام پس از دفن پدر بزرگوارش به انس فرمود: «چگونه دل های شما راضی شد که بر روی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خاک بریزید؟». ^۲ علاقه آن حضرت به پدرش تا آنجا بود که بعد از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دیگر کسی چهره خندان او را ندید. ^۳ وقتی به زیارت قبر پدر می رفت، مشتی از خاک قبر را برمی داشت و آن را روی چشم ها و صورتش می گذاشت. ^۴

شهادت

پس از شهادت حضرت فاطمه علیها السلام در سال ۱۱ هجری، ^۵ امام علی علیه السلام ایشان به همراه اسماء بنت عمیس غسل داد ^۶ و بر پیکرش نماز خواند. ^۷ حضرت فاطمه علیها السلام از اینکه پس از مرگ لباس زنان کنار می رفت و بدن آنان نمایان می شد، ناراحت بود و این مطلب را به اسماء بنت عمیس گفته بود. اسماء درباره تابوتی که در حبشه دیده بود، برای فاطمه علیها السلام توضیح داد و ایشان نیز این مطلب را پسندید و وصیت کرد که پس از مرگش، پیکرش را در تابوت حمل کنند و ایشان، اولین زنی بود که پیکرش در تابوت حمل شد. ^۸

۱. یوسف بن غزاوقلی سبط ابن جوزی، تذکرة الخواص، ج ۱، ص ۲۸۵.

۲. همان.

۳. علی بن محمد ابن صباغ مالکی، الفصول المهمة، ج ۱، ص ۶۶۹.

۴. محمد بن یوسف زرنندی، نظم درر السمطين، ص ۲۳۸.

۵. علی بن محمد ابن صباغ مالکی، الفصول المهمة، ج ۱، ص ۶۶۷.

۶. احمد بن عبدالله عجللی، تاریخ الثقات، ص ۵۲۳.

۷. یوسف بن عبدالله قرطبی، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، ج ۴، ص ۱۸۹۸.

۸. علی بن محمد ابن اثیر جزیری، اسد الغابة فی معرفة الصحابة، ج ۶، ص ۲۲۶.

طبق وصیتش، غسل و کفن و دفنش به صورت شبانه انجام گرفت.^۱ امام علی (علیه السلام) پیکر همسرش را در نیمه‌های شب و به صورت مخفیانه دفن کرد و آنگاه چند قبر درست کرد تا قبر ایشان ناشناخته باقی بماند. برخی معتقدند فاطمه (علیها السلام) در بقیع و در کنار قبر امام حسن (علیه السلام) و عباس دفن شده است.^۲ این مطلب صحیح به نظر نمی‌رسد و به احتمال قوی، فاطمه بنت اسد را با ایشان اشتباه گرفته‌اند.^۳ امام علی (علیه السلام) بعد از دفن حضرت زهرا (علیها السلام)، در غم فراق ایشان جزع و بی‌تابی شدیدی نمود^۴ و این اشعار را خواند:

لِكُلِّ اجْتِمَاعٍ مِنْ خَلِيلَيْنِ فُرْقَةٌ وَ كُلُّ آلٍ ذِي دُونَ الْوَفَاءِ قَلِيلٌ

«هر اجتماع دوستان، سرانجام به جدایی می‌انجامد و هر مصیبتی، جز جدایی (مرگ)، ناچیز است»

وَ إِنِّ افْتِقَادِي فَاطِمَةَ بَعْدَ أَحْمَدَ دَلِيلٌ عَلَى أَنْ لَا يَدُومَ خَلِيلٌ^۵

«و رفتن فاطمه پس از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله)، خود دلیل آن است که هیچ دوستی پایدار نمی‌ماند».

آن حضرت بعد از دفن حضرت زهرا (علیها السلام) نیز این اشعار را می‌خواند که نشان از تأثیر عمیق شهادت فاطمه (علیها السلام) بر دل و جان‌ش داشت:

أَلَا يَا أَيُّهَا الْمَوْتُ الَّذِي لَيْسَ تَارِكِي أَرْحَنِي فَقَدْ أَفْنَيْتَ كُلَّ خَلِيلٍ

«ای مرگ که سرانجام مرا فرو نخواهی گذاشت! هم اکنون مرا آسوده کن؛ زیرا من همه دوستان را از دست دادم».

أَرَاكَ بَصِيرًا بِالَّذِينَ أَحْبَبْتَهُمْ كَأَنَّكَ تَنْحُو نَحْوَهُمْ بِدَلِيلٍ^۶

«من تو را می‌بینم که نسبت به هر که من دوست دارم، آشنایی. گویا وسیله راهنمایی آهنگ سمت ایشان را کرده‌ای».

امام علی (علیه السلام) پس از دفن فاطمه (علیها السلام)، به زیارت قبر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) رفت و این گونه به

۱. احمد بن عبدالله عجل، تاریخ الثقات، ص ۵۲۳.

۲. ابن مهلب، مجمل التواریخ و القصص، ص ۳۵۰.

۳. محمد بن یوسف زرنی، معارج الوصول، ص ۸۰.

۴. علی بن محمد ابن صباغ مالکی، الفصول المهمة، ج ۱، ص ۶۷۳.

۵. احمد بن محمد ابن عبدربه، العقد الفريد، ج ۳، ص ۱۹۸.

۶. یوسف بن غزاوولی سبط ابن جوزی، تذکرة الخواص، ج ۱، ص ۲۸۷.

آن حضرت سلام داد:

دروود بر تو ای رسول‌خدا! از من و از دخترت که در جوار تو فرود آمده و به‌زودی به تو پیوسته، ای رسول‌خدا! شکیبایی من از [مفارقت] او کم شده و تاب و توان من از دوری او به سستی گراییده؛ جز اینکه برای من پس از دیدن جدایی تو و سختی مصیبت تو، شکیبایی سزاوارتر است؛ زیرا همه ما از آن خداییم و به سوی او باز می‌گردیم. همانا آن امانت پس گرفته شد و گروگان دریافت گردید؛ ولی پس از این همواره اندوه‌گینم و شب‌هایم به سبب تو به بیداری خواهد گذشت تا اینکه خداوند برای من سرایی را که تو اقامت داری، برگزیند و از این سرای تیرگی و گنهکاری منتقلم نماید. به همین زودی دخترت به تو خبر خواهد داد که ما پس از تو چه دیدیم. پس همه سرگذشت ما را از او پیرس که به زودی از او امور و احوال ما را دریافت خواهی کرد. این همه ستم بر ما رفته؛ در حالی که از رفتن تو مدتی نگذشته و روزگار زیادی فاصله نشده است. پس بر هر دوی شما از من درود باد؛ درود وداع‌کننده، نه درود خشم‌گین و رنجور. پس اگر بروم، نه از بی‌علاقگی است و اگر بمانم، نه از روی بدگمانی است بدانچه خداوند بر شکیبایان وعده داده و یا مجرمان را تهدید کرده است.^۱

از جابر بن عبدالله نقل است که پیامبر ﷺ به علی علیه السلام فرمود: «یا ابا الریحانتین! به‌زودی دو رکن را از دست خواهی داد». وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رحلت کرد، علی علیه السلام گفت: «این یکی از ارکان بود» و زمانی که فاطمه علیها السلام از دنیا رفت، علی علیه السلام گفت: «این هم رکن دیگر بود».^۲

۱. همان.

۲. همان.

فهرست منابع

۱. ابن ابی شیبہ، عبد اللہ بن محمد (م. ۲۳۵)؛ *المصنف فی الأحادیث و الآثار*؛ تحقیق سعید محمد اللحام؛ بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۹ق.
۲. ابن اثیر جزری، عزالدین (م. ۶۳۰)؛ *اسد الغابة فی معرفة الصحابة*؛ بیروت: دار الفکر، ط الأولى، ۱۴۰۹ق.
۳. ابن بلبان فارسی، علاء الدین علی (م. ۷۳۹)؛ *صحیح ابن حبان بترتیب ابن بلبان*؛ تحقیق شعیب الارنؤوط؛ بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۴ق.
۴. ابن تیمیہ، تقی الدین احمد (م. ۷۲۸)؛ *منهاج السنة النبویة*؛ تحقیق محمد رشاد سالم؛ مملكة العربية السعودية: جامعة الامام محمد بن سعود، ۱۴۰۶ق.
۵. ابن جوزی، أبوالفرج عبدالرحمن بن علی بن محمد (م. ۵۹۷)؛ *صفة الصفوة*؛ تحقیق عبدالسلام هارون؛ بیروت: مؤسسة الكتب الثقافية، ۱۴۱۳ق.
۶. ابن شاهین، ابو حفص عمر بن ابی احمد بغدادی (م. ۳۸۵)؛ *فضائل فاطمة الزهراء*؛ تحقیق محمد سعید الطریحی؛ بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۵ق.
۷. ابن صباغ مالکی، علی بن محمد بن احمد (م. ۸۵۵)؛ *الفصول المهمة فی معرفة الائمة*؛ تحقیق سامی الغریبی؛ قم: دار الحديث، ۱۴۲۲ق.
۸. ابن عبد ربہ الاندلسی، احمد بن محمد (م. ۳۲۸)؛ *العقد الفريد*؛ تحقیق مفید محمد قمیحه؛ بیروت: دار الكتب العلمية، ۱۴۰۴ق.
۹. ابن قتیبہ، عبد اللہ بن مسلم (م. ۲۷۶)؛ *عیون الأخبار*؛ شرح طویل یوسف علی؛ بیروت: دار الكتب العلمية، ۱۴۱۸ق.
۱۰. ابن مغازلی، علی بن محمد (م. ۴۸۳)؛ *مناقب أهل البيت (عليهم السلام)*؛ تهران: المجمع العالمي للتقريب بين المذاهب الإسلامية، المعاونة الثقافية، ۱۴۲۷ق.
۱۱. ابن مهلب؛ *مجلد التواریخ و القصص*؛ تصحیح سیف الدین نجم آبادی و زیگفرید وبر؛ آلمان: دو مونده، ۱۳۷۸ش/۲۰۰۰م.
۱۲. بخاری، محمد بن اسماعیل (م. ۲۵۶)؛ *صحیح البخاری*؛ تحقیق قاسم الشماعی الرفاعی؛ بیروت: دار القلم، ۱۴۰۷ق.

۱۳. بدخشانی، محمدبن معتمد (م. ۱۱۲۶)؛ نزل الأبرار بما صح من مناقب أهل البيت الأطهار (عليهم السلام)؛ تحقيق محمد هادي اميني؛ اصفهان: مكتبة الإمام أمير المؤمنين علي (عليه السلام) العامة، ۱۴۰۳ق.
۱۴. ترمذی، محمد بن عیسی (م. ۲۷۹)؛ سنن الترمذی؛ تحقيق صدقي محمد جميل العطار؛ بيروت: دار الفكر، ۱۴۲۱ق.
۱۵. حاکم حسکانی؛ عیبدالله بن عبدالله (م. ۴۹۰)؛ شواهد التنزيل لقواعد التفضيل؛ تحقيق محمد باقر المحمودی؛ طهران: مؤسسة الطبع و النشر، ۱۴۱۱ق.
۱۶. خنجی اصفهانی، فضل الله بن روزبهان (م. ۹۲۷)؛ وسيلة الخادم الى المخدوم در شرح صلوات چهارده معصوم؛ به کوشش رسول جعفریان؛ قم: انصاریان، ۱۳۷۵ش.
۱۷. خوارزمی، موفق بن احمد (م. ۵۶۸)؛ المناقب؛ تحقيق محمودی مالک؛ قم: مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين، ۱۴۱۱ق.
۱۸. ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد بن عثمان (م. ۷۴۸)؛ تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام؛ تحقيق عمر عبدالسلام تدمری؛ بيروت: دار الكتاب العربی، ۱۴۱۳ق/۱۹۹۳م.
۱۹. زرنندی حنفی، جمال الدین محمد بن یوسف (م. ۷۵۰)؛ نظم درر السمطين في فضائل المصطفى و المرتضى و البتول و السبطین (عليهم السلام)؛ بيروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۵ق.
۲۰. -----؛ معارج الوصول إلى معرفة آل الرسول و البتول؛ تهران: مجمع احیاء الثقافة الاسلامیة، بی تا.
۲۱. سبط بن جوزی، یوسف بن قزغلی البغدادی (م. ۶۵۴)؛ تذکرة الخواص من الامة بذكر خصائص الأئمة؛ قم: منشورات الشریف رضی، ۱۴۱۸ق.
۲۲. صنعانی، عبدالرزاق بن همام؛ المصنف (م. ۲۱۱)؛ لبنان: دار الكتب العلمية، ۱۴۲۱ق.
۲۳. طبرانی، سلیمان بن احمد؛ المعجم الكبير (م. ۳۶۰)؛ تحقيق حمدي عبدالمجيد السلفی؛ لبنان: ۱۴۰۵ق.
۲۴. طبری، محب الدین احمد بن عبدالله (م. ۶۹۴)؛ ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی؛ تحقيق سامی الغریری؛ قم، مؤسسة دار الكتاب الاسلامی، ۱۴۲۸ق.
۲۵. طبری، أبوجعفر محمد بن جریر (م. ۳۱۰)؛ تاریخ الأمم و الملوك؛ تحقيق محمد أبو الفضل ابراهيم؛ بيروت: دار التراث، ط الثانية، ۱۳۸۷ق.

۲۶. عجلی، احمد بن عبدالله بن صالح (م ۲۶۱)؛ *تاریخ الثقات*، بترتیب نورالدین علی بن ابی بکر الهیثمی (م ۸۰۷)؛ تحقیق عبدالمعطی قلعجی؛ بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۰۵ق.
۲۷. عسقلانی، احمد بن علی بن حجر (م ۸۵۲)؛ *الإصابة فی تمییز الصحابة*؛ تحقیق عادل احمد عبدالموجود و علی محمد معوض؛ بیروت: دار الکتب العلمیة، ط الأولى، ۱۴۱۵ق.
۲۸. قرطبی، ابو عمرو یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبدالبر (م ۴۶۳)؛ *الاستیعاب فی معرفة الاصحاب*؛ تحقیق بجاوی علی محمد؛ بیروت: دار الجیل، ۱۴۱۲ق.
۲۹. گنجی شافعی، محمد بن یوسف (م ۶۵۸)؛ *کفایة الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب* (علیه السلام)؛ تصحیح محمد هادی الامینی؛ طهران: دار احیاء تراث اهل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۴ق.
۳۰. نسائی، احمد بن شعیب (م ۳۰۳)؛ *السنن الکبری*؛ تحقیق عبدالغفار سلیمان البنداری؛ سید کسروی حسن؛ بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۱ق.

جایگاه و خدمات شهید سلیمانی از نگاه اهل سنت

حجت الاسلام والمسلمین مرتضی غریب‌ان روزبهانی*

مقدمه

شهادت سپهبد حاج قاسم سلیمانی، خروش ملت انقلابی ملت ایران و تمام آزادگان جهان را برانگیخت و تشییع جنازه باشکوه ایشان و هم‌زمان شهیدش، جایگاه رفیع ایشان در نزد ملت ایران و مردم مسلمان جهان را به نمایش گذاشت. این جایگاه، به طور قطع ناشی از خدماتی است که سیدالشهدای مقاومت از خود ارائه داده است. مراسم تشییع جنازه شهید سلیمانی، نشان از جایگاه رفیع این شهید عزیز در نزد ملت ایران اعم از قومیت‌ها و مذاهب مختلف و جامعه اهل سنت است. این نوشتار می‌کوشد جایگاه و خدمات شهید سلیمانی را از دیدگاه اهل سنت بررسی کند.

ویژگی‌ها و جایگاه شهید سلیمانی

علمای اهل سنت در بیانات خود به برخی از ویژگی‌های شهید سلیمانی اشاره داشته‌اند که در اینجا به مواردی اشاره می‌شود:

۱. اخلاص

بر اساس آیات قرآن و روایات، اخلاص فضیلت اخلاقی ارزش‌مندی انسان نزد خداوند است. برای نمونه قرآن می‌فرماید: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ»^۱ ما [این] کتاب را به حق به سوی تو فرود آوردیم. پس خدا را در حالی که اعتقاد [خود] را برای او خالص‌کننده‌ای عبادت کن.

* دانش‌آموخته سطح ۳ حوزه علمیه قم و دانشجوی دکتری مدرسی انقلاب اسلامی.

۱. زمر: ۲.

در روایات نیز بر اهمیت اخلاص اشاره شده است. رسول گرامی اسلام ﷺ در خصوص اهمیت اخلاص می‌فرماید: «مَا أَخْلَصَ عَبْدٌ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَوْ بَعِيْنَ صَبَاحًا إِلَّا جَرَتْ يَتَابِيعُ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ»^۱ هر کس که چهل شبانه روز خود را برای خدا خالص کند، سرچشمه‌های حکمت از قلبش جوشیده، بر زبانش جاری می‌شود». امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیز در این باره می‌فرماید: «غَايَةُ الْإِخْلَاصِ الْخَلَاصُ»^۲ غایت اخلاص، رهایی است». آن حضرت همچنین در روایت دیگری می‌فرماید: «لَوْ خَلَصْتَ النَّيَّاتُ لَزَكَتِ الْأَعْمَالُ»^۳ اگر نیت‌ها خالص شود، اعمال پاکیزه گردد».

یکی از ویژگی‌های این شهید بزرگوار اخلاص بوده است. رحیم آخوند صمدی امام جمعه اهل سنت شهرستان رازو جرگلان می‌گوید: «اخلاص کم نظیر و مجاهدت‌های شجاعانه در جبهه‌های حق علیه باطل برای دفاع از کیان این مرز و بوم و امنیت مردم نیاز به توصیف ندارد، زیرا شهید سلیمانی به هیچ عنوان به دنبال شهرت و آوازه نبود».^۴ هم‌چنین ماموستا عبدالرحمان مرادی امام جمعه اهل سنت کرمانشاه ضمن گرامیداشت یاد و خاطره سردار شهید حاج قاسم سلیمانی اظهار داشت: «شخصیت این شهید بزرگوار نه تنها در ایران بلکه در عالم اسلام از جایگاه خاصی برخوردار بود و همان‌طور که رهبر معظم انقلاب (علیه السلام) فرمودند راز محبوبیت ایشان به اخلاص، بزرگواری و نیت پاک این شهید برمی‌گردد».^۵

۲. مبارزه با باطل و تقویت جبهه مقاومت

همواره میان جبهه حق و باطل نبرد وجود دارد و به فرموده امام زمان (علیه السلام) این نبرد با پیروزی اهل حق پایان می‌یابد. ایشان در روایتی می‌فرمایند: «أَبَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِلْحَقِّ إِلَّا إِتْمَامًا وَلِلْبَاطِلِ إِلَّا زُهُوقًا»^۶ خداوند مقدر فرموده است که حق به مرحله نهایی و کمال خود برسد و باطل از بین برود».

قرآن در جنگ حق و باطل می‌گوید: این نمود باطل شما را نترساند، این فراگیری

۱. محمد بن علی ابن بابویه، عیون أخبار الرضا (علیه السلام)، ج ۲، ص ۶۹

۲. علی بن محمد لیثی واسطی، عیون الحکم و المواعظ، ص ۳۴۸.

۳. همان، ص ۴۱۵.

۴. <https://www.irna.ir/news/83673115>

۵. <https://www.isna.ir/news/99100805896>

۶. احمد بن علی طبرسی، احتجاج علی اهل اللجاج، ج ۲، ص ۴۶۹.

باطل شما را مایوس نکند، زیرا سرانجام حق پیروز است، حق همیشه پیروز بوده است: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ...»^۱ خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد».

در نبرد حق علیه باطل، افرادی شهره عام و خاص می‌شوند و نامشان همواره بر سر زبان‌هاست که مبارز اصلی میدان باشند. سردار سلیمانی نیز مبارز اصلی این میدان بود. ماموستا عبدالسلام محمدی امام جمعه شهر حسین‌آباد، با تسلیت شهادت سردار سلیمانی، اظهار کرد: «سردار سرلشکر حاج قاسم سلیمانی از سربازان مخلص ولایت و انقلاب بود که سال‌ها در جبهه حق علیه باطل نبرد کرد».^۲

شهادت سردار سلیمانی باعث تقویت جبهه مقاومت شد. ماموستا دکتر یدالله محمدی امام جمعه سابق شهرهای قروه و دهگلان اذعان داشت: «دیروز سردار سلیمانی قهرمان یک نفر بود؛ اما امروز همه ملت رشید ایران و جبهه مقاومت بعد از شهادت این فرزند اسلام و قرآن، قاسم سلیمانی شده‌اند».^۳

ماموستا فایق رستمی امام جمعه سنندج نیز اذعان داشت: «خون سردار سلیمانی درخت مقاومت را تنومندتر می‌کند و شهادت این سردار شهید هرچند موجب ناراحتی و غم بزرگی در جهان اسلام و بین مستضعفین دنیا شد، اما دشمنان بدانند که ریخته‌شدن خون این سردار بزرگ اسلام نه تنها این حرکت جهادی برای نابودی آنان را متوقف نمی‌کند بلکه با قدرت بیشتری جلوتر خواهیم رفت».^۴

۳. محبوبیت اجتماعی نزد اهل سنت

شهید حاج قاسم سلیمانی، محبوب دل‌های همه ملت ایران بود و جامعه اهل سنت نیز از این امر مستثنی نیست. محبوبیت ایشان نزد اهل تسنن ایران بر کسی پوشیده نیست. ماموستا عبدالرحمان مرادی امام جمعه اهل سنت کرمانشاه با توجه به مقبولیت و محبوبیت شهید سلیمانی در بین اهل تسنن می‌گوید: «زحمات ایشان در راستای اعتلای اسلام و اسلام ناب و همچنین دفاع از حقیقت اسلام و مبارزه با

۱. نور: ۵۵.

۲. <https://www.farsnews.ir/kordestan/news/13981014000433>

۳. همان.

۴. <https://www.farsnews.ir/kordestan/news/13981013001521>

گروه‌های تکفیری و افراطی داعش که خود را منسوب به اسلام می‌دانند، محبوبیت این مرد بزرگ را در بین اهل تسنن رقم زد.^۱

ماموستا عبدالرحمان مرادی امام جمعه اهل سنت کرمانشاه نیز در این خصوص گفت: «مجاهدتهای سردار سلیمانی در مناطق آلوده به داعش برای اهل سنت از ارزش و اهمیت بالایی برخوردار است و سبب محبوبیت بیش از پیش ایشان نزد اهل سنت شده است».^۲

۴. تلاش برای ایجاد همبستگی جهان اسلام

اسلام با نگرش به اصل وحدت و اتحاد از دیدگاه سیاسی-اجتماعی بر اهمیت آن میان انسان‌ها، مسلمانان و ادیان الهی تأکید کرده است. قرآن با هدف یک‌پارچگی، مؤمنان را برادران یک‌دیگر خوانده است: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ...»^۳؛ مؤمنان برادر یک‌دیگرند...». هم‌چنین در آیات بسیاری به وحدت امت اسلامی توصیه شده است؛ از جمله در سوره آل عمران می‌فرماید: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا»^۴ و همگی به ریسمان خدا [قرآن و اسلام و هر گونه وسیله وحدت] چنگ زنید و پراکنده نشوید! و نعمت (بزرگی) خدا را بر خود، به یاد آرید که چگونه دشمن یک‌دیگر بودید و او میان دلهای شما، الفت ایجاد کرد. و به برکت نعمت او، برادر شدید». علامه طباطبائی^۵ در ذیل تفسیر این آیه چنین اظهار داشته است:

شاید وجه اینکه «اعتصام به حبل الله و متفرق نشدن» نعمت خدا خوانده شده، اشاره به این معنا باشد که اگر شما را به اعتصام و عدم تفرقه می‌خوانیم، بی‌دلیل نیست. دلیل اینکه شما را به آن دعوت کرده‌ایم همین است که به چشم خود ثمرات اتحاد و اجتماع، تلخی عداوت و حلاوت محبت و الفت و برادری را چشیدید و در اثر تفرقه در لبه پرتگاه آتش رفتید و در اثر اتحاد و الفت از آتش نجات یافتید.^۶

قرآن کریم فارغ از معنای وحدت شیعه و سنی، به طور کل اختلاف را یکی از

۱. <https://www.isna.ir/news/99100805896>

۲. همان.

۳. حجرات: ۱۰.

۴. آل عمران: ۱۰۳.

۵. سید محمدحسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۵۷۴.

۶. همان.

بدترین عذاب‌ها می‌داند و می‌فرماید: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَ اٰخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ»^۱ و مانند کسانی نباشید که پراکنده شدند و اختلاف کردند (آن هم) پس از آن‌که نشانه‌های روشن (پروردگار) به آنان رسید! و آن‌ها عذاب عظیمی دارند».

هم‌چنین پیامبر ﷺ و ائمه معصومین علیهم‌السلام در روایات متعددی بر مسئله وحدت تأکید داشته‌اند که از باب نمونه به برخی از این موارد اشاره می‌شود:

پیامبر اعظم ﷺ فرمود: «وَالْجَمَاعَةُ رَحْمَةٌ وَالْفُرْقَةُ عَذَابٌ»^۲ وحدت مایه رحمت و تفرقه موجب عذاب است». هم‌چنین حضرت فرمود: «يَدَالِلُ اللَّهُ عَلَى الْجَمَاعَةِ وَالشَّيْطَانُ مَعَ مَنْ خَالَفَ الْجَمَاعَةَ يَرْكُضُ»^۳ دست خدا بر سر جماعت است و شیطان با کسی همراه است که با جماعت ناسازگاری کند». امام علی علی‌السلام در این خصوص می‌فرماید: «وَعَلَيْكُمْ بِالتَّوَّاصِلِ وَالتَّبَادُلِ وَإِيَّاكُمْ وَالتَّدَابُرِ وَالتَّقَاطُعِ»^۴ بر شما باد به ارتباط و بخشش به یک‌دیگر و دوری گزیدن از جدایی و پشت کردن به یک‌دیگر».

امروزه در شرایطی که دشمنان اسلام تمام تلاش خویش را برای مبارزه و مقابله با اسلام به کار بسته‌اند، وحدت اسلامی بسیار ضروری‌تر از گذشته به نظر می‌رسد و پرداختن به اختلاف و مسائل تفرقه‌انگیز نتیجه‌ای جز به هدر رفتن سرمایه‌ها و استفاده دشمن از این اختلاف‌ها، نخواهد داشت. ضرورت «وحدت اسلامی» را از وجوه مختلف می‌توان اثبات کرد.

جهان اسلام امروزه بیش از همیشه به همگرایی مذاهب خود نیاز دارد و شهید عزیز حاج قاسم سلیمانی در این راه تلاش وافر داشتند. ماموستا عبدالرحمان مرادی امام جمعه اهل سنت کرمانشاه، وحدت امت اسلام را مهم‌ترین هدف شهید سلیمانی دانست و گفت: «همه این رشادت‌ها به ایثار، اخلاص و تفکر عظیم و هم‌چنین وحدت‌گرایی حاج قاسم سلیمانی بر می‌گردد. ایشان همواره این دغدغه را داشتند که امت اسلامی همه با هم متحد باشند تا کسانی که قصد ضربه زدن را دارند بشناسند و با آن‌ها مقابله کنند و به آن‌ها مجال نفوذ در منطقه را ندهند».^۵

۱. آل عمران: ۱۰۵.

۲. حسین بن محمد بن حسن حلوانی، نزهة الناظر و تنبيه الخاطر، ص ۲۷.

۳. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۱۵۸.

۴. محمد بن حسین شریف الرضی، نهج البلاغه، ص ۴۲۱.

5. <https://www.isna.ir/news/99100805896>

آخوند عبدالحی میرزاعلی، امام جمعه اهل سنت آق‌قلا با بیان اینکه شهید سلیمانی نماد وحدت شیعه و سنی است، اظهار داشت: «شهید سلیمانی نه فقط از مردم شیعه بلکه از برادران اهل تسنن و حتی از کسانی که از ادیان دیگر بودند، دفاع کرد که این نشأت گرفته از نگاه تقریبی وی بود که سبب وحدت امت اسلامی شد».^۱

آخوند عبدالحی میرزاعلی، امام جمعه اهل سنت آق‌قلا گفت: «سیره پیامبر اکرم ﷺ و آموزه‌های دین مبین اسلام نیز بر اصل برادری تأکید دارد و حاج قاسم سلیمانی بهترین نمونه از کسانی است که از این سیره الگوبرداری کرده و آن را در همه جهات زندگی خود عملی کرد».^۲

آخوند عبدالجلیل فرهمند یکی از کارشناسان علوم دینی اهل سنت نیز درباره این شهید بزرگوار می‌گوید: «شهید سلیمانی مدافع اسلام و سرزمین اسلامی بود و هم در زمان حیات و هم شهادت، سبب وحدت و اتحاد ملی در مقابل استکبار و صهیونیست است».^۳

مهم‌ترین برکت شهادت شهید سلیمانی، این بود که باعث وحدت دوباره اسلام و مسلمین شد. رحیم آخوند صمدی امام جمعه اهل سنت شهرستان رازو جرگلان، ضمن محکومیت اقدامات ضدبشری آمریکای جنایت‌کار به خصوص در ترور شهید سلیمانی گفت: «شهادت سردار سپهید حاج قاسم سلیمانی و شهیدان جبهه مقاومت برخلاف خواست دشمنان اسلام، موجب وحدت و انسجام مسلمانان و مظلومان جهان شده و می‌شود؛ به گونه ای که شهادت وی میلیون‌ها مسلمان را در ماتم فرو برد و از وی نمادی بین‌المللی در دفاع از حقوق مظلومان جهان ساخت». وی با بیان اینکه دشمنان از ابتدای انقلاب اسلامی با ملت ایران اسلامی در جنگ بودند، افزود: «آمریکای جنایت‌کار و منافقین در طول تاریخ انقلاب همیشه با ترور افراد شاخص مردمی درصدد ایجاد شکاف و ضربه زدن به پیکره نظام و انقلاب بودند، ولی نمی‌دانند شهادت مجاهدان بی‌ادعایی نظیر شهید سلیمانی، نه تنها آسیبی به نظام اسلامی نمی‌زند، بلکه موجب وحدت فزاینده مظلومان و مسلمانان جهان خواهد شد».^۴

1. <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1399/10/09/2420892>

۲. همان.

۳. همان.

4. <https://www.irna.ir/news/83673115>

ماموستا فایق رستمی امام جمعه سنندج نیز امنیت و آسایش امروز کشور را مرهون خون پاک شهیدان دانست و گفت: «خون شهید سردار قاسم سلیمانی و همراهانش موجب تقویت وحدت در جهان اسلام خواهد شد و با تکیه بر این سرمایه بزرگ پاسخ سختی به دشمنان اسلام خواهیم داد».^۱

ماموستا سیدمحسن حسینی امام جمعه موقت سنندج هم در این مورد چنین گفته است: «بدون شک با شهادت سرلشکر سلیمانی تزلزلی در صفوف مسلمانان ایجاد نخواهد شد و ما را متحدتر می‌کند».^۲

در اینجا به برخی از خدمات این شهید بزرگوار، سردار دل‌ها پرداخته می‌شود:

خدمات شهید سلیمانی

همان‌گونه که در جایگاه شهید سلیمانی در بین اهل تسنن اشاره شد، این جایگاه، به خاطر خدماتی بوده که این شهید در طول مدت مسئولیت خود ارائه داده که در ذیل به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. کوتاه کردن دست تروریسم‌ها از منطقه

ماموستا عبدالرحمان مرادی امام جمعه اهل سنت کرمانشاه در خصوص نقش این شهید در مقابله با گروه‌های تکفیری چنین می‌گوید: «در سایه اسلام و برکات انقلاب اسلامی حرکت‌های بسیار خوبی در مقابله با تکفیری‌ها در منطقه توسط برادرانی که خود اهل سنت نیستند، همانند حاج قاسم سلیمانی، انجام شد و با از خودگذشتگی و رشادت‌هایی که داشتند این مهم را به اثبات رساندند و دست خائنین را از منطقه و کشور کوتاه کردند». وی هم‌چنین به مبارزه این شهید عزیز با گروه‌های تروریستی اشاره کرده، می‌گوید: «جامعه اسلامی هرگز رشادت‌ها و جان‌فشانی‌های سردار سلیمانی در مبارزه و شکست داعش و دیگر گروهک‌های تروریستی در منطقه را از یاد نخواهد برد».^۳

۲. نابودی داعش

مهم‌ترین خدمت شهید سلیمانی از دیدگاه اهل سنت، نابودی داعش بوده است و این

1. <https://www.farsnews.ir/kordestan/news/13981013001521>

2. <https://www.farsnews.ir/kordestan/news/13981014000433>

3. <https://www.isna.ir/news/99100805896>

خدمت را نه تنها برای ایران بلکه به همه جهان اسلام می‌دانند. یکی از علمای اهل سنت کردستان می‌گوید: «شهید قاسم سلیمانی نه تنها متعلق به ملت ایران، بلکه متعلق به کل جهان اسلام است؛ چرا که ایشان با از بین بردن و نابودی داعش خدمت بزرگی به اهل سنت در عراق و سوریه کرد».^۱

ماموستا محمدامین راستی امام جمعه موقت سندج نیز اذعان داشت: «حاج قاسم متعلق به جهان اسلام است؛ چرا که این شهید بزرگوار با نابودی داعش خدمت بزرگی به اهل سنت در عراق و سوریه کرد».^۲

ماموستا عبدالسلام محمدی امام جمعه شهر حسین آباد نیز در این خصوص تصریح کرد: «این سردار شهید از سرداران جبهه مقاومت بود که در شکست داعش و گروه‌های تکفیری نقش کلیدی داشت».^۳

«نوری المالکی» که مسئولیت نخست وزیری و فرماندهی کل نیروهای مسلح عراق را برعهده داشت می‌گوید:

زمانی که داعش به عراق یورش برد اگر حاج قاسم سلیمانی و مسأله انتقال تسلیحات از سوی ایران به عراق نبود ما با مشکلات و تنگناهای فراوانی مواجه می‌شدیم. بله، درست است که ما در آن زمان سلاح خریداری کردیم اما کشورهای جهان در زمانی که لازم بود به ما سلاح ندادند. با این حال، حاج قاسم سلیمانی به دلیل نقشی که در عراق داشت و هم حضور دائمی‌اش در این کشور، به ما کمک زیادی کرد.^۴

۳. ایجاد امنیت پایدار در کشور و منطقه

ماموستا سیدمحسن حسینی امام جمعه موقت سندج به خدمات سپاه قدس در ایجاد امنیت اشاره کرده با انتقاد از خوش خیالی برخی‌ها در خصوص نقش آفرینی نکردن نیروهای سپاه اسلام در کشورهای منطقه چنین می‌گوید: «این افراد نادان و خوش خیال باید بدانند که آمریکا و جبهه استکبار بلایایی را که علیه ملت سوریه و عراق آوردند، اگر نیروهای برون‌مرزی سپاه قدس نبودند الان باید منتظر ناامنی در

1. <https://www.farsnews.ir/kordestan/news/13981014000433>

۲. همان.

۳. همان.

4. <https://www.isna.ir/news/99100805896>

کشورمان بودیم».^۱

رئیس جمهور سوریه «اسد» در پیام تسلیت خود صراحتاً عنوان کرد:

مردم سوریه هیچگاه یاد شهید سلیمانی و خدمات او در زمینه دفاع از سوریه و مبارزه با تروریسم را فراموش نخواهند کرد. رئیس جمهور سوریه عنوان کرد که حاج قاسم سلیمانی در پیروزی‌های متعدد علیه تروریسم تکفیری در این کشور نقش آفرینی داشته است. به هر حال، به دلیل همین نقش آفرینی‌های گسترده در جبهه‌های مختلف مقاومت منطقه بوده است که از شهید سلیمانی تحت عنوان «سید الشهدا مقاومت» یاد می‌شود.^۲

«زیاد النخاله» دبیرکل جنبش جهاد اسلامی فلسطین تصریح می‌کند:

قدرت و امکاناتی که امروز غزه به آن دست یافته است، نتیجه تلاش‌های بزرگ شهید سلیمانی است. گام راهبردی سردار سلیمانی با ارسال موشک‌ها و اسلحه‌ها به نوارغزه آغاز شد و این مسأله شبیه یک معجزه بود و از نظر فنی و امنیتی و امکان‌پذیر بودن بسیار سخت بود اما در نهایت چنین کاری انجام شد.^۳

ماموستا عزیز امیری امام جمعه بلبان‌آباد نیز در این خصوص گفت:

سردار سرلشکر پاسدار حاج قاسم سلیمانی که سراسر عمر را وقف مجاهدت، حراست و پاسداری از امنیت اسلام کرده بود، امروز شهادتش برای جهان اسلام و مردم ایران اسلامی مایه افتخار است که این سرباز و مجاهد فی سبیل الله و پاسدار شجاع امنیت ایران و منطقه که سال‌های متمادی در راه اعتلای کلمه الله و دفاع از کیان انقلاب و سرزمین‌های اسلامی جان خود را در طبق اخلاص گذاشته بود.^۴

عبدالله آخوند خوش نظر امام جمعه اهل سنت تازه یاب از توابع شهرستان مانه و سملقان با بیان اینکه شهید سلیمانی نقشی محوری در امنیت پایدار داشت، گفت: «امنیت مورد نظر آن شهید محدود به مرزهای ایران اسلامی نمی‌شد، بلکه آن فرمانده دلسوز برای حفظ و برقراری وحدت و امنیت مسلمانان، در سراسر جهان بنا بر

1. <https://www.farsnews.ir/kordestan/news/13981014000433>

2. <https://www.mehrnews.com/news/5389794>

3. <https://www.isna.ir/news/99100805896>

فرموده پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم هجرت کرده و نقشی موثر ایفا می نمود»^۱.
 ماموستا عبدالسلام محمدی امام جمعه شهر حسین آباد به جلوگیری اقدامات شهید سلیمانی از فروپاشی و سقوط کردستان اشاره کرد و گفت:
 کرد و کردستان مدیون رشادت‌ها و مجاهدت‌های شهید سردار حاج قاسم سلیمانی است که در حمله داعش و گروه‌های تکفیری و خلافت نامشروع و ناخوانده داعش تنها کسی که توانست اقلیم کردستان را از سقوط و فروپاشی نجات دهد سردار عزیز شهید قاسم سلیمانی بود.^۲

۴. تأثیرگذاری در معادلات منطقه و جهان

عبدالله آخوند خوش نظر امام جمعه اهل سنت با اشاره به اینکه سردار شهید نقش چشم‌گیری در برهم زدن معادلات سیاسی استکبار جهانی و ایادی استکبار داشت، گفت: «سردار سلیمانی برای دفاع از ارزش‌ها و آرمان‌های اسلامی نه تنها مدافع حرم، بلکه مدافع تمامی مظلومان جهان به‌ویژه مردم مسلمان عراق، سوریه و لبنان بود به گونه ای که این مجاهد بی ادعا پدیده شوم داعش را با درایت و رهنمودهای مقام معظم رهبری، از صحنه روزگار محو کرد».
 آخوند عبدالجلیل فرهمند یکی از کارشناسان علوم دینی اهل سنت، با اشاره به نقش ایران در معادلات گفت: «امروز نقش اثرگذار جمهوری اسلامی در معادلات جهان و قدرت جبهه مقاومت در منطقه، مرهون مجاهدت‌های سپهبد شهید قاسم سلیمانی و هم‌زمانش است».^۳

نتیجه‌گیری

شهادت سپهبد حاج قاسم سلیمانی فرمانده سپاه قدس جدای از ملت ایران، مسلمانان و آزادی‌خواهان جهان را نیز متاثر کرد؛ چرا که خدمات ایشان در مبارزه با ظلم و استکبار و گروه‌های تکفیری و داعش بر هیچ کس پوشیده نیست. اگر «حاج قاسم» نبود، شاید بازهم منطقه میدان تاخت و تاز داعش و گروه‌های تکفیری بود که فجیع‌ترین جنایات را در حق مسلمانان منطقه روا داشتند و به انحای مختلف در کشتار مسلمانان از هیچ تلاشی فروگذار نکردند.

۱. همان.

2. <https://www.farsnews.ir/kordestan/news/13981014000433>

3. <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1399/10/09/2420892>

فهرست منابع

کتاب

قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، *عیون أخبار الرضا* علیه السلام؛ تصحیح مهدی لاجوردی، چاپ اول، تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ق.
۲. حلوانی، حسین بن محمد، *نزهة الناظر و تنبيه الخاطر*، تصحیح مدرسة الإمام المهدي علیه السلام، چاپ اول، قم: مدرسة الإمام المهدي علیه السلام، ۱۴۰۸ق.
۳. طباطبائی، محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چاپ دوم، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ق.
۴. طبرسی، احمد بن علی، *الإحتجاج علی أهل اللجاج*، تحقیق و تصحیح محمدباقر خراسان، چاپ اول، مشهد: نشر مرتضی، ۱۴۰۳ق.
۵. لیتی واسطی، علی بن محمد، *عیون الحکم و المواعظ*، تصحیح حسین حسینی بیرجندی، چاپ اول، قم: دار الحديث، ۱۳۷۶ش.
۶. شریف الرضی، محمد بن حسین، *نهج البلاغه*، مصحح: صالح، صبحی، چاپ اول، قم: هجرت، ۱۴۱۴ق.
۷. مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، تحقیق و تصحیح جمعی از محققان، چاپ دوم، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.

سایت‌ها

1. <https://farsi.khamenei.ir>
2. <https://www.farsnews.ir>
3. <https://www.isna.ir>
4. <https://www.irna.ir>
5. <https://www.tasnimnews.com>

موانع امر به معروف و نهی از منکر از منظر آیات و روایات

حجت الاسلام والمسلمین محسن دانیاری*

اشاره

قرآن کریم تأکید فراوانی بر حکومت الهی و اجرایی شدن دستورات خداوند روی زمین دارد؛ تا آنجا که خداوند از نشانه‌هایی که صالحان به حکومت می‌رسند، اجرای فرائض الهی و در رأس آن‌ها اقامه نماز، زکات و امر به معروف و نهی از منکر را برشمرده است: «الَّذِينَ إِن مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَاللَّهُ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ»^۱ همان کسانی که هرگاه در زمین به آن‌ها قدرت بخشیدیم، نماز را برپا می‌دارند، و زکات می‌دهند، و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، و پایان همه کارها از آن خداست». در این نوشتار، به تحلیل شش مانع مهم امر به معروف و نهی از منکر از جمله ضعف ایمان، ترس، عدم آگاهی از آثار این دو فریضه، بی‌اطلاعی از پیامدهای ترک این دو، تبلیغات و شبهه‌سازی دشمنان و عملکرد اشتباه برخی دینداران پرداخته شده است.

مفهوم‌شناسی

قبل از ورود به بحث لازم است که مفهوم و معنای امر به معروف و نهی از منکر بیان شود. امر در لغت به دو معنا آمده: یکی کار که جمع آن امور است^۲ و دیگری، دستور و طلب که جمع آن اوامر است.^۳ نهی نیز در لغت به معنای خلاف الامر^۴ و منع و

* دانش‌آموخته سطح ۳ حوزه علمیه قم.

۱. حج: ۴۱.

۲. علی‌اکبر قریشی، قاموس قرآن، ج ۱، ص ۱۱۰.

۳. احمد بن محمد فیومی، مصباح‌المنیر، ج ۲، ص ۲۲.

۴. خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب‌العین، ج ۴، ص ۹۴.

بازداشتن از چیزی است.^۱ معروف از ماده «عرف» به معنای شناخته شده^۲ و نیز درک کردن و دریافتن چیزی از روی اثر آن با اندیشه و تدبّر است. معروف، اسمی است برای هر کاری که با عقل و شریعت نیکو شناخته شده است.^۳ منکر از ماده «نکر» به معنای خلاف و نقیض معرفت یا همان ناشناخته^۴ و چیزی است که به زشتی شناخته شده است.^۵

موانع امر به معروف و نهی از منکر

با عنایت به تأکدهای فراوان دین مبین اسلام و وجود آثار مثبت فردی و اجتماعی امر به معروف و نهی از منکر، چرا بیشتر مسلمانان اهتمام لازم به اجرای این دو فریضه بزرگ را ندارند و در بسیاری از موارد عمل به این دو فریضه بزرگ با تساهل روبه‌رو می‌شود؟ برخی از مهم‌ترین موانع این دو فریضه به شرح ذیل است:

۱. ضعف ایمان و غیرت دینی

ضعف ایمان اولین مانع امر به معروف و نهی از منکر است. خداوند ریشه اصلی بی‌اعتنایی و بیش‌تر بدبختی‌هایی را که گریبان‌گیر بشر است ضعف ایمان به خدا و دوستی با کافران بر می‌شمارد. ضعف ایمان، قدرت و شجاعت اخلاقی را از انسان سلب و او را تحت نفوذ خود می‌کند و باعث خواری و زبونی می‌شود. بدترین نقطه ضعف انسان که با وجود آن، وی را از هیچ عمل زشت و ارتکاب خلاف وظیفه نمی‌توان مصون دانست، بی‌ایمانی و بی‌دینی است. خداوند در این باره می‌فرماید: «وَلَوْ كَانُوا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالنَّبِيِّ وَ مَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مَا اتَّخَذُوا هُمْ أَوْلِيَاءَ وَلَكِنْ كَثِيرًا مِنْهُمْ فَاسِقُونَ»^۶ و اگر به خدا و پیامبر ﷺ و آنچه بر او نازل شده، ایمان می‌آوردند، (هرگز) آنان [کافران] را به دوستی اختیار نمی‌کردند؛ ولی بسیاری از آن‌ها فاسق‌اند». آیت‌الله صافی گلپایگانی درباره ضعف ایمان و در نتیجه پابیند نبودن به این دو فریضه بزرگ می‌نویسد:

۱. حسین بن محمد راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ص ۸۲۷.
۲. خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب العین، ج ۲، ص ۱۲۲.
۳. حسین بن محمد راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ص ۵۶۱.
۴. خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب العین، ج ۵، ص ۳۵۶.
۵. حسین بن محمد راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ص ۵۶۱.
۶. مائده: ۸۱.

تاریخ را ورق بزنید و به پرونده‌های جرایم و جنایات مراجعه فرمایید تا بفهمید ضحاک‌ها، چنگیزها، یزیدها، حجاج‌ها و سایر دیکتاتورها و جباران و هم‌چنین خیانت‌کاران و وطن فروش‌ها و بیگانه پرست‌ها و دزدها و آدم‌کش‌ها و... از چه دسته و طایفه‌ای هستند. بی‌ایمانی به خدا، انسان را نسبت به مخلوق ضعیف، متملق می‌سازد تا برای خوشامد اشخاص چاپلوسی کند و از ادای تکلیف خودداری نماید. بی‌ایمانی صفت استقامت و ضبط نفس و شهادت او را می‌کشد. ایمان نیرویی است که انسان را توانا و قوی‌الاراده می‌سازد. مؤمن از هیچ چیز مانند خلاف وظیفه و معصیت خدا نمی‌پرهیزد؛ چنانچه از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله است که به ابوذر فرمود: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَرَى ذَنْبَهُ كَأَنَّهُ تَحْتَ صَخْرَةٍ يَخَافُ أَنْ تَقَعَ عَلَيْهِ، وَالْكَافِرُ يَرَى ذَنْبَهُ كَأَنَّهُ ذُبَابٌ مَرَّ عَلَى أَنْفِهِ»^۱ مؤمن، گناه خود را مانند سنگ بزرگی می‌بیند که می‌ترسد بر سر او بیفتد و کافر و بی‌ایمان، گناه خود را مانند پشه می‌بیند که بر بینی او مرور کرده باشد»^۲. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَيُغْضُ الْمُؤْمِنَ الضَّعِيفَ الَّذِي لَا دِينَ لَهُ فَقِيلَ لَهُ وَمَا الْمُؤْمِنُ الَّذِي لَا دِينَ لَهُ قَالَ الَّذِي لَا يَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ»^۳ مؤمن ضعیفی که دین ندارد مورد بغض الهی است، سؤال شد مؤمن بی‌دین کیست؟ حضرت فرمود کسی که نهی از منکر نمی‌کند».

۲. ترس بر جان و مال و آبرو

دومین عاملی که منشأ عدم اقدام برخی به وظیفه امر به معروف و نهی از منکر می‌شود، ترس بر جان و مال است. چه بسا اشخاصی که دچار توهم بوده، چنین می‌پندارند که با اقدام به امر به معروف و نهی از منکر، کسانی که مورد امر و نهی قرار گرفته‌اند، دشمنی آنان را به دل گرفته به آنان ضربه خواهند زد یا فکر می‌کنند در داد و ستدها طرف‌های معامله خود را از دست خواهند داد؛ در حالی که این‌ها توهم‌های بی‌جایی است و شیطان انسان را می‌ترساند تا او را از انجام دادن وظیفه‌اش منصرف کند.^۴ خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «إِنَّمَا ذَاكُمُ الشَّيْطَانُ يَخُوفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَ خَافُونَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»^۵ این فقط شیطان است که پیروان خود را (با

۱. فضل بن حسن طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۴۶۰.

۲. لطف‌الله صافی گلپایگانی، راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص ۶۱-۶۰.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۹.

۴. محمدرضا مدرسی، دو فرمان الهی برای امت برتر، ص ۱۱۱.

۵. آل عمران: ۱۷۵.

سخنان و شایعات بی اساس) می ترساند. از آن ها نترسید! و تنها از من بترسید اگر ایمان دارید». در حقیقت اگر کسی با رعایت شرایط امر به معروف و نهی از منکر، رفق و مدارا، پند و اندرز نیکو و عمل صالح خود، خطاکاران را ارشاد و امر به معروف و نهی از منکر نماید، محبوبیت بیشتری می یابد و مردم در همه حال به وی اعتماد می کنند. در روایت آمده است: «فَإِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ لَمْ يَقْرَبَا أَجْلاً وَلَمْ يُبَاعِدَا رِزْقاً»^۱ امر به معروف و نهی از منکر، مرگی را نزدیک و رزقی را دور نکرده است».

از آنجا که گفته اند «الْإِنْسَانُ عَبِيدُ الْإِحْسَانِ» در مواردی که انسان از پیامد تذکر مستقیم، خوف دارد می تواند نوعی احسان به مخاطب را زمینه ساز تذکر خود قرار دهد تا از رنجش یا واکنش منفی مخاطب پیشگیری شود. در این خصوص خاطره ای را از شهید بزرگوار آیت الله سعیدی نقل می کنیم:

یکی از دوستان شهید سعیدی می گوید: روزی با شهید سعیدی از کنار یکی از این شیرهای آب می گذشتیم شهید سعیدی متوجه زنی شد که به سختی دو سطل آب را با دو دست بلند کرده است و همین امر موجب شده بود که زن نتواند حجاب خود را بطور کامل مراعات کند بطوری که روسریش عقب رفته بود و موی سرش پیدا بود. شهید سعیدی عباى خود را به من داد و سریع به طرف زن رفت و دو سطل آب را با اصرار زیاد از او گرفت. مسافت خانه تا شیر آب طولانی بود و او قبول نکرد که من در این امر خیر کمک کنم. سعیدی سطل های آب را به مقصد رساند و مؤدبانه امر به معروف کرد. زن که گفتار و کردار مولایش علی علیه السلام را در رخسار این فرزند علی علیه السلام بخوبی از نزدیک حس کرده بود، امر به معروف شهید سعیدی را پذیرفت.^۲

۳. عدم آگاهی از اهمیت و آثار امر به معروف و نهی از منکر

سومین مورد از موانع امر به معروف و نهی از منکر، بی اطلاعی از اهمیت و ثمرات امر به معروف و نهی از منکر است. عدم آگاهی از اهمیت این دو واجب در دیدگاه شرع و نقش آن ها در پیدایش اندیشه و رفتار صحیح در جامعه و ثمرات شیرینی که

۱. علی بن ابراهیم قمی، تفسیر القمی، ج ۲، ص ۳۶.

۲. محمد عابدی، پیکار با منکر در سیره ابرار، دفتر اول، ص ۱۸۴ _ ۱۸۵.

با اجرای درست آن‌ها مترتب می‌شود، از عوامل مهم کوتاهی در انجام این دو فریضه است. برای رفع این مشکل باید نهی از منکر و امر به معروف به عنوان یک معروف و ارزش برتر، شناسانده و اهمیت و اثرات مثبت آن به کمک رسانه‌های گوناگون به طور مستمر و پویا در جامعه القا شود، تا به گونه‌ای پایدار، جزء ساختار ذهنی جامعه به حساب آید. تکرار این مطالب هم در صورتی که به جا و هنرمندانه انجام پذیرد، کاملاً مطلوب است و هیچ‌گونه محذوری را پدید نمی‌آورد و به تعبیر مَثَلِ عربی: «هو المِسْكُ كُلَّمَا كُرِّرَتْهُ يَتَضَوُّعٌ؛ مُشْكٌ اسْتِ» که هر دفعه تکرار شود، از آن رایحه خوش پراکنده می‌گردد». به ویژه مواردی که از قرآن کریم بهره‌برداری می‌شود؛ امیرالمؤمنین علیه السلام درباره آن فرمود: «لَا تُخْلِقُهُ كَثْرَةُ الرَّدِّ وَوُلُوجُ السَّمْعِ؛^۱ کثرت تکرار و ورود آن به گوش‌ها، قرآن را کهنه نگرداند».

۴. بی‌اطلاعی از پیامدهای ترک امر به معروف و نهی از منکر

مانع چهارم امر به معروف و نهی از منکر، عدم آگاهی از پیامدهای ناگواری است که از ترک این فرایض دامن‌گیر فرد و جامعه می‌شود. صرف نظر از استحقاق عقوبت اخروی نافرمانی خداوند، عواقبی در همین عالم در انتظار ترک کنندگان این دو فریضه الهی است. جامعه‌ای که درباره رفتار افرادش بی‌تفاوت باشد و با دیدن هرگونه انحرافی به سادگی از آن بگذرد، دچار تباهی خواهد شد. در این جامعه، زورگویان و مفسدان، جرأت بیش‌تر و بیش‌تری می‌یابند و دیگران خواه ناخواه به گناه و فساد کشیده می‌شوند. هم‌چنین تباهی فراگیر می‌شود، به‌طوری که حتی افرادی که جدای از فساد، ناگهان خود را غرق در تباهی می‌بینند. در روایتی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله آمده است:

لَا تَزَالُ أُمَّتِي بِخَيْرٍ مَا أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى فَإِذَا لَمْ يَفْعَلُوا ذَلِكَ نَزَعَتْ مِنْهُمْ الْبَرَكَاتُ وَسَلَّطَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ نَاصِرٌ فِي الْأَرْضِ وَ لَا فِي السَّمَاءِ؛^۲ تا زمانی که امت من امر به معروف و نهی از منکر نمایند و همکاری بر نیکی و تقوا داشته باشند، در خوبی می‌باشند و هرگاه این امور را ترک کردند، برکات از آنان برداشته می‌شود و بعضی بر برخی دیگر مسلط می‌شوند (به ناحق) و برای آنان، یآوری در زمین و

۱. محمد بن حسین شریف الرضی، نهج البلاغه، ص ۲۱۹.

۲. محمد بن الحسن طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۸۱.

آسمان نخواهد بود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جایی دیگر در این خصوص می‌فرماید: «إِذَا أُمِّتِي تَوَاكَلَتِ الْأُمَرَاءُ بِالْمَعْرُوفِ وَالتَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ فَلْيَأْذَنُوا بِوِقَاعِ مِنَ اللَّهِ»^۱ هرگاه امت من، امر به معروف و نهی از منکر را به عهده یک‌دیگر بیندازند، پس باید برای عذاب الهی آماده باشند». همچنین امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «أَيُّمَا نَاشٍ نَشَأَ فِي قَوْمٍ ثُمَّ لَمْ يُؤَدِّبْ عَلَى مَعْصِيَةِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ أَوَّلَ مَا يُعَاقِبُهُمْ فِيهِ أَنْ يَنْقُصَ مِنْ أَرْزَاقِهِمْ»^۲ هر نوجوانی که در میان گروهی رشد یابد و بر معصیت تأدیب نشود، اول عقوبتی که خداوند عزوجل بر آن قوم قرار می‌دهد آن است که روزی آنان را می‌کاهد». از صدر اسلام تا به امروز، شاهد تجربه‌های مکرر نتایج هلاکت بار کوتاهی در امر به معروف و نهی از منکر می‌باشیم. امروز ما باید به این وظیفه بزرگ الهی حساس باشیم، تا نعمت بزرگ نظام اسلامی و استقلال در برابر بیگانگان را حفظ کرده، پیوسته در آرمان‌های بزرگ اسلام و انقلاب با قدرت به پیش برویم.

۵. تبلیغات و شبهه‌سازی دشمنان

ایجاد فضای منفی علیه امران به معروف و ناهیان از منکر، مانع پنجم در اجرای این دو فریضه الهی است که گاه منحرفان، منافقان و کافران انجام می‌دهند. دشمنان داخلی و خارجی با تمام توان می‌کوشند تا ریشه‌ها و مبانی اسلام را از بین ببرند و در این راه از هیچ کاری دریغ نمی‌کنند. آن‌ها با تبلیغات و تحریفات ضد دینی و القای شبهات، سعی دارند تا با رواج شک و تردید، دین را به انزوا بکشانند. تبلیغات ضد دینی در جوامع اسلامی، مختص زمان حاضر نیست؛ از زمانی که دنیای غرب تبلیغات ضد دینی را برنامه‌ریزی و تنظیم کرد، یکی از اهدافش این بود که در قدم نخست باورها و اعتقادات مردم مسلمان را هدف گرفته، آن‌ها را تحت الشعاع قرار دهد و آنان را به آموزه‌های دینی بدبین سازد. قرآن کریم، درباره تبلیغات ضد دینی دشمنان اسلام چنین می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُؤًا وَ لَعِبًا مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلِكُمْ وَ الْكُفَّارَ أَوْلِيَاءَ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِن كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ * وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوهَا

۱. همان، ص ۱۷۷.

۲. محمد بن علی ابن بابویه، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۲۲۳.

هُزُوا وَاَعْبَا ذَالِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ؛^۱ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! افرادی که آیین شما را به باد استهزا و بازی می‌گیرند - از اهل کتاب و مشرکان - ولی خود انتخاب نکنید و از خدا پرهیزید، اگر ایمان دارید! آن‌ها هنگامی که (اذان می‌گویید، و مردم را) به نماز فرا می‌خوانید، آن را به مسخره و بازی می‌گیرند؛ این به خاطر آن است که آن‌ها جمعی نابخردند.

به هر حال دشمن با تبلیغات، تحریفات و تمسخر، در تضعیف امر به معروف و نهی از منکر می‌کوشد. شگردهای گوناگونی را طرّاحی و عملی می‌کنند که باید در مسائل مختلف و در زمان‌ها و مکان‌های متفاوت، این شیوه‌ها را شناسایی و راه حل مناسب آن را یافت و عملی کرد. معاندان و دشمنان حقیقت، گاهی تا آنجا پیش می‌روند که منکر را معروف و معروف را منکر جلوه می‌دهند. چنین افرادی بدون در نظر گرفتن شیوع فساد و تباهی که آنان پدید می‌آورند، افراد آمر به معروف و ناهی از منکر را مزاحم زندگی و آزادی و کسب و کار مردم معرفی کرده و چه بسا به آنان دشنام می‌دهند. آیات و روایات زیادی درباره پیدایش چنین شرایطی، هشدارهای جدی به مسلمانان داده‌اند. در روایتی از امام صادق (علیه السلام) آمده است: «بِئْسَ الْقَوْمُ قَوْمٌ يُعِيبُونَ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ»^۲ بد گروهی هستند آنان که امر به معروف و نهی از منکر را عیب می‌دانند».

۶. عملکرد آمران به معروف و ناهیان از منکر

مانع ششم، خطا و لغزش آمران به معروف و ناهیان از منکر است. در برخی موارد مشاهده می‌شود کسانی که اجرای این دو فریضه را بر عهده دارند، دچار لغزش شده، اعمال‌شان مخالف گفته‌هایشان است. این امر سبب بدبینی مردم به آنان می‌شود و بازتاب منفی در جامعه دارد. خداوند درباره چنین افرادی به بدی یاد می‌کند؛ آنجا که می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ. كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ»^۳ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چرا سخنی را می‌گویید که عمل نمی‌کنید. نزد خدا بسیار موجب خشم است که سخنی بگویید که عمل نمی‌کنید».

هم‌چنین قرآن کریم در جایی دیگر خطاب به علمای یهود می‌فرماید: «اتَّامُرُونَ النَّاسَ

۱. مائده: ۵۸-۵۷.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۷.

۳. صف: ۲-۳.

بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَذَكَّرُونَ أَلَمْ تَلَوْا الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ^۱ آیا مردم را به نیکی (و ایمان به پیامبری که صفات او آشکارا در *تورات* آمده) دعوت می‌کنید، اما خودتان را فراموش می‌نمایید؛ با اینکه شما کتاب (آسمانی) را می‌خوانید! آیا نمی‌اندیشید؟!». با این وجود، لازم است کسانی که امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند در وهله نخست، خود عامل به نیکی‌ها و پرهیز از گناهان داشته باشند، سپس خانواده و جامعه را به نیکی‌ها دعوت کرده، از بدی‌ها باز دارند. آموزه‌های دینی به ما آموخته است که معیار سنجش را بایستی در متون اصیل دینی جست، نه در رفتار و گفتار افراد منتسب به دین؛ همان‌گونه که حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ الْحَقَّ لَا يُعْرَفُ (بِأَقْدَارٍ) بِالرَّجَالِ، إِنْ عُرِفَ الْحَقُّ تَعْرِفَ أَهْلُهُ^۲ ملاک و محور درستی و نادرستی کارها، اشخاص و قدر و منزلت آنان نیست، حق را بشناس تا اهل آن را بشناسی».

بنابراین، اگر در جامعه‌ای امر به معروف و نهی از منکر کمتر رواج دارد به دلیل برخی موانع است که برطرف کردن آن‌ها، باعث احیای این دو فریضه مهم در جامعه می‌شود. همان‌طور که گفته شده مهم‌ترین موانع، ضعف ایمان، ترس، عدم آگاهی از آثار این دو فریضه، بی‌اطلاعی از پیامدهای ترک این دو، تبلیغات و شبهه‌سازی دشمنان و عملکرد اشتباه برخی دینداران است. پس لازم است جهت احیای این دو فریضه بزرگ، این موانع در جامعه برطرف شود.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، *ثواب الأعمال و عقاب الأعمال*، قم: الشریف الرضی، ۱۴۰۶ق.
۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات الفاظ القرآن*، محقق: داوودی، صفوان عدنان، بیروت: دارالقلم - الدار الشامیه، ۱۴۱۲ق.
۳. شریف‌الرضی، محمد بن حسین، *نهج‌البلاغه*، محقق: صالح، صبحی، قم: هجرت، ۱۴۱۴ق.
۴. صافی گلپایگانی، لطف الله، *راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر*، قم: دفتر

۱. بقره: ۴۴.

۲. محمدباقر مجلسی، *بحارالانوار*، ج ۴۰، ص ۱۳۶.

- انتشارات اسلامی، ۱۳۷۳ش.
۵. طبرسی، فضل بن حسن، مکارم الاخلاق، قم: الشریف الرضی، ۱۳۷۰ش.
 ۶. طوسی، محمد بن الحسن، تهذیب الاحکام، محقق: خراسان، حسن الموسوی، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
 ۷. عابدی، محمد، پیکار با منکر در سیره ابرار، چاپ سوم، قم: نشر معروف، ۱۳۷۷ش.
 ۸. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم: نشر هجرت، ۱۴۰۹ق.
 ۹. فیومی، احمد بن محمد، مصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، قم: مؤسسه دارالهجره ۱۴۱۴ق.
 ۱۰. قریشی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الاسلامیه ۱۴۱۲ق.
 ۱۱. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، قم: دارالکتاب، ۱۴۰۴ق.
 ۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، محقق: غفاری علی اکبر و آخوندی محمد، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
 ۱۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، محقق: جمعی از محققان، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
 ۱۴. مدرسی، محمدرضا، دو فرمان الهی برای امت برتر، یزد: ستاد احیاء امر به معروف و نهی از منکر استان یزد، ۱۳۸۵ش.
 ۱۵. مکارم شیرازی، ناصر، ترجمه قرآن کریم، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۸۰ش.

آثار و برکات مقاومت هوشمندانه جمهوری اسلامی ایران؛ آثار ملی، منطقه‌ای و جهانی

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر علی‌اصغر نصرتی*

مقدمه

همزاد با انقلاب اسلامی، عزم سلطه استکباری آمریکا و غرب بر نابودی نظام جمهوری اسلامی و تمام ارزش‌های بنیادی آن استوار شد. آن‌ها هیچ‌گاه راضی به ادامه حیات این نظام با حفظ مبانی ارزشی آن نشدند و همواره ساختار هجوم و مقابله را تغییر دادند و همه اشکال مقابله را آزمودند. اگر چه انقلاب و توانایی‌های آن را درگیر کردند، ولی نه تنها به هدفشان که نابودی نظام باشد، دست نیافتند؛ بلکه بنیه نظام و انقلاب بیش از پیش قوی‌تر شد. مقاومت جانانه و هوشمندانه، موجب گسترش امواج انقلاب به منطقه و تأثیرگذاری بر سرنوشت منطقه و بخشی از رویدادهای جهانی شد. در این نوشتار آثار و پیامدهای مقاومت هوشمند در سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی مورد اشاره قرار می‌گیرد.

مفهوم‌شناسی

در ابتدا درباره مفهوم مقاومت و مقاومت هوشمندانه اندکی توضیح داده می‌شود.

۱. مقاومت

مقاومت به معنای ایستادگی کردن و ضدیت با کسی در امری خاص و نیز پایداری نمودن همراه با دوام و استحکام و جنگیدن در برابر هجوم نیروهای دشمن است.^۱

* استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۱. عظاملک بن محمد جوینی، تاریخ جهانگشای جوینی، ج ۱، ص ۱۰۰.

حوزه معنایی مقاومت افزون بر دفاع، مرحله تهاجم، نبرد و جهاد را نیز در بر می گیرد و به گونه های متفاوتی ظهور و بروز پیدا می کند. منظور از مقاومت، فراتر از جبهه مقاومتی است که اینک در منطقه شکل گرفته است؛ بلکه آن را در قامت یک گفتمان باید مورد نظر قرار داد.

۲. هوشمندی

هوشمندی در فرهنگ فارسی به معنای فراست، زیرکی، فتانت، عاقلی، خردمندی و هشیاری است و مفهومی فراتر از دانایی و اطلاع دارد.^۱ هوشمندی، جلوه ای از توانایی انسان است که با پیشگیری از شکست و صعود به موفقیت هم مقبولیت خود را افزایش می دهد و هم بر نسبت تأثیر خود بر دیگران می افزاید. هوشمندی در عرصه بین المللی، با شاخص های آشکار مدیریت موفق در عرصه های امنیت و اقتصاد، شناخته می شود.^۲

۳. مقاومت هوشمند

مقاومت هوشمند، اعمال قدرتی (شامل دفاع، ایستادگی و پایداری، جنگ و هجوم و هر گونه مواجهه و مقابله با دشمن) است که در آن به طور همزمان ترکیبی از راهبردها، تاکتیک ها و ابزار قدرت و جنگ سخت و نرم مورد استفاده قرار می گیرند. مقاومت هوشمند، برآمده از عقلانیت راهبردی است.

آثار و برکات مقاومت هوشمند

مقاومتی که اینک، چه در مقیاس داخلی و چه در سطح منطقه و جهان اسلام، علیه استکبار جهانی در قالب جبهه مقاومت اسلامی شکل گرفته، توانسته است ضربات سخت و گاه مهلکی بر جبهه استکباری وارد کند و بیش از پیش بر توان و استمرار حیات خود بیفزاید. در این قسمت به صورت مختصر آثار و برکاتی که مقاومت هوشمندانه در عرصه های ملی، منطقه ای (غرب آسیا و جهان اسلام) و جهانی (مستضعفان جهان، متدینین از سایر ادیان آسمانی و نیز قدرت ها و حکومت های ملی مستقل و ...) بر جای گذاشته است و به دنبال دارد، مورد بررسی قرار می گیرد.

۱. حسن عمید، فرهنگ عمید، ذیل واژه هوش؛ علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، ذیل واژه هوش.
 ۲. حسن صالح نژاد، «مفهوم قدرت هوشمند و نقش آن در سیاست جدید»، دفتر مطالعات سیاسی (گروه مطالعات بنیادی حکومتی)، ص ۱۵.

۱. آثار ملی مقاومت هوشمند

برخی از مهم‌ترین آثار مقاومت هوشمند در سطح ملی عبارتند از:

۱/۱. شکل‌گیری روح همدلی و همکاری جمعی

یکی از برکات مقاومت هوشمند در سطح جامعه اسلامی، ایجاد همبستگی اجتماعی و اتحاد ملی است که در سایه آن، همه اقوام و مذاهب و حتی صاحبان ادیان مختلف زیر پرچم مقاومت و با انگیزه‌های مختلف ایمانی، اسلامی و ملی گرد می‌آیند و یگانگی و وحدت دولت و ملت را به نمایش می‌گذارند. امام خمینی علیه السلام با استفاده از آیه «أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ» برای خدا به پا خیزید، استقامت در راه خدا را منشأ وحدت، یکپارچگی و تمرکز بر وحدت کلمه و حرکت به سوی نقطه واحد دانسته است.^۱ علامه طباطبائی علیه السلام نیز در تفسیر آیه ۴۶ سوره انفال^۲ صبر و مقاومت در برابر ناملایمات و مشکلاتی را که دشمن در مقابل شما پدید می‌آورد، قوی‌ترین یاور مؤمنان و محکم‌ترین رکن تحول و تزلزل‌ناپذیری آن‌ها می‌داند. صبر، رشته پیوند مستحکمی میان مؤمنان و صابرين ایجاد، و صفوف آنان در برابر ضربات دشمن را نفوذناپذیر می‌کند.

۱/۲. گشایش درهای نجات

یکی از سنت‌های الهی و قوانین حاکم بر زندگی انسان‌ها، «فرج بعد الشدة» و گشایش امور بعد از گذران یک دوره سختی و فشار است؛ چنانکه قرآن فرموده است: «سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا»^۳ خداوند به‌زودی بعد از سختی‌ها آسانی قرار می‌دهد. این مسئله در سوره انشراح با قاطعیت و صراحت بیشتری تکرار و تأکید شده است: «إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا»^۴ (آری) مسلماً با (هر) سختی آسانی است. بیان رابطه راحتی و گشایش با سختی در این آیه شریفه با «مع»، نشان‌دهنده همراهی و همزمانی

۱. سبأ: ۴۶.

۲. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، وحدت از دیدگاه امام خمینی علیه السلام، ص ۲۰۰.

۳. «أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» و (فرمان) خدا و پیامبرش را اطاعت نمایید و نزاع (و کشمکش) نکنید تا سست نشوید و قدرت شما از میان نرود و صبر و استقامت کنید که خداوند با استقامت‌کنندگان است.

۴. طلاق: ۷.

۵. انشراح: ۵.

آن‌هاست. گویا راحتی در دل سختی‌ها نهفته است چنانکه رسول‌خدا ﷺ فرموده است: «إِنَّ النَّصْرَ مَعَ الصَّبْرِ وَالْفَرْجَ مَعَ الْكَرْبِ وَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا»^۱ همانا پیروزی با صبر همراه است و گشایش با گرفتاری، و بی‌گمان با هر دشواری، آسانی است». این قانون الهی حاکم بر سرنوشت بشر را می‌توان در تاریخ ملت‌ها مشاهده کرد و نتایج درخشان راحتی و گشایش را بعد از یک دوره سختی و مقاومت در برابر گرفتاری‌ها دید. شاید نمونه بارز آن را بتوان جنگ هشت‌ساله‌ای دانست که از سوی دشمنان انقلاب اسلامی بر ملت ایران تحمیل شد. ملت ایران در این جنگ، سخت‌ترین فشارها و کمبودها را تحمل کرد و در نتیجه تحمل و شکیبایی، سال‌ها از مواهب و گشایش‌های نسبی بهره‌مند شد.

گنج و گوهر، کی میان خانه‌هاست؟ گنج‌ها پیوسته در ویرانه‌هاست^۲

۱/۳. زمینه‌سازی گام دوم انقلاب

انقلاب اسلامی طی چهار دهه عمر خود، مراحل کمال را پشت سر گذاشته و به برکت مقاومت اسلامی به ظرفیت و توانمندی رسیده است که آن را می‌توان نقطه عزیمت گام دوم انقلاب قلمداد کرد. مقاومت اسلامی، ظرفیت‌های نهفته و گنج‌های پنهان انقلاب را نمایان کرد، استعدادهای جوانان را شکوفا نمود و مقدمات لازم برای حرکت به سمت هدف‌های والا در گام دوم انقلاب را فراهم کرد. گفتمان مقاومت اسلامی، نقش جهت‌گیری صحیح و هدایتگری انقلاب اسلامی را بر عهده دارد. همچنین گام دوم انقلاب بر اساس بیانیه صادره، برای مقابله با سبک زندگی غربی و بنای سبک زندگی اسلامی ایرانی و مبتنی بر مبانی انقلاب اسلامی، جهادی همه جانبه و هوشمندانه را طلب می‌کند.

۱/۴. ایجاد آمادگی جهت پذیرش ظهور

انتظار واقعی ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه، تابع وجود شرایط و مقدماتی است که باید در جامعه انسانی، به‌ویژه در جامعه مؤمنین ایجاد شود؛ مانند تعمیق ایمان دینی، پاکی دل، ذهن و عمل مؤمنین، صبر و پایداری بر امر و نهی الهی. وقتی مقاومت اسلامی در جامعه ایمانی و انقلابی نهادینه شود، آثار آن در افراد و جامعه ایمانی موجب

۱. علی بن حسن طبرسی، مشکاة الانوار فی غرر الاخبار، ج ۱، ص ۲۰.

۲. جلال الدین محمد بلخی، مثنوی معنوی، دفتر پنجم، بیت ۳۴۵۱.

پیدایش مقدمات و شرایط انتظار واقعی می‌شود. گفتمان مقاومت گامی به جلو برای پذیرش حاکمیت عدالت مطلقه و طهارت جامعه انسانی از پلیدی‌ها و ظلم‌هاست. این گفتمان در صورتی می‌تواند انتظار واقعی را به نمایش بگذارد و زمینه پذیرش عدالت حقه را فراهم سازد که ایمان، تقوا، اخلاق و عدالت را در مقیاس دولت اسلامی بر پا کند و با ایجاد دولت اسلامی طراز مقاومت، زمینه قسط و عدل وعده داده شده را ایجاد نماید.

۲. آثار منطقه‌ای مقاومت هوشمند

گفتمان مقاومت هوشمند جمهوری اسلامی، در سطح ملی تأثیرات بنیادینی بر تک تک انسان‌های مؤمن و انقلابی ایران و نیز بر روابط و نهادهای اجتماعی و ساختارها و نظام و حکومتی جمهوری اسلامی می‌گذارد. در سطح منطقه نیز منشاء آثار و برکات فراوانی است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

۲/۱. شکل‌گیری الگوی مقاومت

شکل‌گیری انقلاب اسلامی، سرنگون‌سازی رژیم دست‌نشانده استکبار، ایجاد نظام اسلامی مستقل از شرق و غرب و مقاومت در برابر تمامی توطئه‌ها، جنگ، تحریم و دشمنی‌های حساب شده جبهه متحد استکباری، ایران اسلامی را به نمونه و الگویی معیار تبدیل کرده است. انقلاب اسلامی به مثابه الگوی مقاومت هوشمند منطقه، دارای ویژگی‌هایی همچون ایمان الهی، اعتقاد به مرکزیت دینی در هدایت قدرت و سیاست، برخورداری از رهبری واحد عالم و عادل دینی، شکل‌گیری روابط ولایی میان امت و امام امت، استقامت و پایداری عمومی جامعه در برابر مشکلات، توکل و اعتماد به خداوند و وعده‌های او، عاقبت‌اندیشی، هدفداری، مبارزه جدی و سازش‌ناپذیر با جبهه کفر و دیکتاتوری و استکبار، بی‌اعتمادی به ظالمان و قدرت‌های شیطانی عالم و مقابله با دنیاگرایی است. امید آزادی‌خواهان جهان اسلام تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، مقاومت فلسطین بود و آن را معیار مبارزه با ستم سازمان‌یافته جهانی در جبهه استکبار می‌دیدند. اکنون مقاومت اسلامی با محوریت جمهوری اسلامی ایران، معیار تمام عیار و موفق برای تقابل ایمان و عدالت با کفر و ظلم جهانی شده است؛ چنانکه مقام معظم رهبری مدظله‌العالی فرموده است: «اگر ملت‌های مظلوم دنیا بخواهند به کارنامه یک ملت نگاه کنند و نیرو بگیرند، احساس

عزت و شرف کنند و درس بگیرند، باید به این ملت نگاه کنند».^۱

۲/۲. تربیت انسان‌های بزرگ و معیار

یکی از مهم‌ترین محصولات مقاومت اسلامی که شاید بتوان آن را آخرین حلقه اهداف انبیا و ادیان الهی و نهضت‌های اصلاحی در تاریخ بشر دانست، پیدایش انسان‌هایی بزرگ و معیار شخصیت مطلوب است. قرآن کریم در صدر اسوه‌های بشری، رسول‌خدا ﷺ را اسوه و انسان معیاری برای پیشینیان که پیامبران‌شان با توسل به ایشان راه نجات و تقرب به پیشگاه الهی را پیدا کردند و نیز برای آنان که پس از آن حضرت تا قیامت می‌آیند، دانسته است: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا»^۲ مسلماً برای شما در زندگی رسول‌خدا سرمشق نیکویی بود، برای آن‌ها که امید به رحمت خدا و روز رستخیز دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند.

جریان الگوهای برجسته بشری در همه تاریخ از ابتدای خلقت تا قیامت ادامه خواهد داشت. در تاریخ نورانی اسلام، ائمه معصومین علیهم‌السلام اسوه‌های برتر انسانی هستند که بر تاریخ جلوه‌گری می‌کنند. امام خمینی رحمته‌الله، مقام معظم رهبری مدظله‌العالی، سید حسن نصرالله و شهدای گرانقدری همچون شهید بهشتی، شهید رجایی و شهید سردار قاسم سلیمانی که در مکتب امام خمینی رحمته‌الله پرورش یافته و در مدرسه مقاومت آموخته و پخته و کارآمد شده‌اند، از دیگر اسوه‌ها و الگوهای جامعه بشری هستند.

۲/۳. صدور انقلاب و بیداری ملت‌ها

انقلاب اسلامی چه در اندیشه امام خمینی رحمته‌الله و چه در بیان امام خامنه‌ای مدظله‌العالی، صدور ارزش‌های آن است؛ نه توسعه‌طلبی جغرافیایی؛ چنانکه رسالت اسلام و انبیای الهی نیز بر همین مسئله استوار است. از همین روست که امام خمینی رحمته‌الله فرموده است: «ما انقلابمان را به تمام جهان جهان صادر می‌کنیم».^۳ امام خامنه‌ای مدظله‌العالی نیز در تبیین صدور انقلاب فرموده است: «معنای صدور انقلاب این است که ملت‌های دنیا

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۷۴/۰۳/۰۸.

۲. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2753>

۳. احزاب: ۲۱.

۳. سید روح‌الله موسوی خمینی، صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۱۴۸.

بینند یک ملت، با قدرت خود و با اتکای به اراده و عزم خویش و با توکل به خدا می‌تواند ایستادگی کند و تسلیم نشود».^۱ امام خمینی علیه السلام صدور فرهنگ و ارزش انقلاب را مبنای تبیین خود از صدور انقلاب دانسته و فرموده است: «ما که می‌گوییم می‌خواهیم انقلابمان را صادر کنیم، می‌خواهیم همین معنویتی را که در ایران پیدا شده است؛ صادر کنیم. این انقلاب فرهنگی‌مان را انقلاب اسلامی‌مان را به همه ممالک اسلامی صادر کنیم».^۲ مقام معظم انقلاب علیه السلام نیز نفوذ ارزش‌های انقلابی به منطقه را در قالب راهبرد بیداری اسلامی معرفی کرده و فرموده است: «امروز در منطقه ما، روحیه بیداری اسلامی در بسیاری از کشورها و ملت‌ها حاکم است».^۳ ایشان اطمینان می‌دهد که «بیداری اسلامی نابودشدنی نیست. بیداری اسلامی ان‌شاءالله به فضل الهی و به حول و قوه الهی به اهداف خود خواهد رسید».^۴

۲/۴. شکل‌گیری مقدمات تمدن نوین اسلامی

یکی از هدف‌های متعالی انقلاب اسلامی، رسیدن به تمدن نوین اسلامی است که توسط امام خامنه‌ای مدظله‌العالی به عنوان هدف بیان شده است: «این چیزی که جمهوری اسلامی به عنوان هدف غایی قرار داده، رسیدن به تمدن اسلامی، متنها تمدن متناسب با این زمان، تمدن نوین اسلامی است».^۵ ایشان اشاره می‌کند که انقلاب پرشکوه ملت ایران، تنها انقلابی است که یک چله پر افتخار را پشت سر گذاشته و اینک وارد دوم مرحله خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی شده است.^۶

۱. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم در سالروز میلاد حضرت ولی عصر علیه السلام، ۱۳۶۸/۱۲/۲۲.
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2276>

۲. سید روح‌الله موسوی خمینی، صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۲۸۳.
 ۳. بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، ۱۳۹۷/۰۹/۰۴.
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=41007>

۴. بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، ۱۳۹۴/۱۰/۰۸.
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=31770>

۵. بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، ۱۳۹۸/۰۸/۲۴.
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=44016>

۶. بیانیه گام دوم رهبر انقلاب به مناسبت ۴۰ سالگی انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲.
<https://farsi.khamenei.ir/gaam/2>

۳. آثار جهانی مقاومت هوشمند جمهوری اسلامی

هوشمندی مقاومت اسلامی و وجود رهبران با بصیرت آن، موجب شده جلوتر از دشمن حرکت کند. این مسئله موجب تأثیرگذاری خاص انقلاب اسلامی بر رویدادهای جهان به نحو قابل توجهی خواهد شد. نگاهی به برخی از مهم‌ترین آثار مقاومت بر حوادث جهان، می‌تواند نوید این فرضیه قرار گیرد.

۳/۱. ایجاد تزلزل در پایگاه‌های دشمن

دشمنان مقاومت از بدو انقلاب اسلامی تا کنون، سنگر به سنگر عقب‌نشینی کرده‌اند؛ چنانکه با چنگ و دندان کوشیدند رژیم وابسته پهلوی را حفظ کنند، اما انقلاب اسلامی آن را از میان برد. زمینه حمله رژیم بعثی صدام به انقلاب اسلامی را فراهم، و با تمام توان از آن حمایت کردند؛ در حالی که سرانجام انقلاب اسلامی مستحکم و پایدار ماند و رژیم صدام و آبروی نظام استکباری شرق و غرب و ایستگاه منطقه آنان رفت. شکل‌گیری نهضت مقاومت در لبنان، فلسطین، سوریه، عراق و یمن علی‌رغم جبهه متحد کفر جهانی در تقابل با آن‌ها و نیز قدرتمندتر شدن آنان، موجب ناکامی دشمن و عقب‌نشینی آن‌ها از موضع استکباری‌شان شده است. امروز پایگاه‌های دشمن در منطقه چنان متزلزل و ناامن است که هر چند گاه این زمزمه بلند می‌شود که ماندن در منطقه، صرفه اقتصادی و نظامی برایشان ندارد. خروج بدون دستاورد از افغانستان و عراق و در آینده در دیگر پایگاه‌های آنها در منطقه، گواه این ادعاست.

۳/۲. ایجاد بازدارندگی در مقابل تهدیدات و تهاجمات دشمن

امروز نه تنها جمهوری اسلامی ایران، بلکه کلیت مقاومت به هوشمندی رسیده است که نه تنها به سرعت می‌تواند نوع جنگ سخت و نرم را انتخاب کند؛ بلکه توانش را در سطح منطقه به گونه‌ای گسترش داده و تعبیه نموده است که در اصطلاح نظامی، بازدارندگی ایجاد نموده و امکان ضربه اول را از دشمن سلب کرده است. آمادگی همیشگی، ریشه در فرمان الهی به مومنین دارد: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ»^۱ و برای (آمادگی مقابله با) دشمنان، هرچه می‌توانید از نیرو و از اسبان سواری فراهم کنید تا دشمن خدا و دشمن خودتان و نیز (دشمنانی) غیر از اینان را که شما آنان را نمی‌شناسید، ولی خداوند آنها را می‌شناسد،

۱. انفال: ۶۰.

به وسیله آن بترسانید، و در راه خدا (و تقویت بنیه دفاعی اسلام) هرچه انفاق کنید، پاداش کامل آن به شما می‌رسد و به شما ستم نخواهد شد». طبق این فرمان، باید توان نظامی را تا اندازه‌ای در مقابل دشمن افزایش داد که به تعبیر مقام معظم رهبری «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» «دشمن را بیمناک کند، نه بیمناک از تجاوز شما که شما اهل تجاوز نیستید؛ بیمناک از ایستادگی شما، بیمناک از فکر حمله به شما».^۱

امام خمینی «علیه السلام» نیز با توجه بر اینکه «غفلت از تقویت بنیه دفاعی کشور، تعاون و تجاوز بیگانگان و نهایتاً تحمیل جنگ‌ها و توطئه‌ها را به دنبال می‌آورد»،^۲ بر ضرورت توانمندی بازدارندگی انقلاب و مقاومت اسلامی تأکید کرده است.

۳/۳. گسترش اسلام ناب در جهان

اگر چه جریان اسلامی که قرن‌ها صاحب حکمرانی به نام اسلام بود و پس از جنگ جهانی اول و فروپاشی دولت عثمانی، قدرت سیاسی خود را از دست داد و بقایای آن با عناوین مختلفی همچون وهابیت با مرکزیت عربستان سعودی، اخوان المسلمین با مرکزیت مصر، همراهی ترکیه و قطر، طالبان در پاکستان و افغانستان، القاعده در افغانستان و نیز داعش، برای ایجاد دولت اسلامی فعالیت‌هایی انجام دادند؛ اما وجود آسیب‌های ناشی از عدم اصالت و بی‌ارتباطی با نبوت و امامت، آمیختگی با کانون‌های فسادآمیز قدرت جهانی، از سویی مانع رشد، استقرار و مقبولیت آنان به عنوان الگوی حکومتی اصیل با مقبولیت مردمی و معقولیت نزد فرهیختگان عالم شده است. از سوی دیگر آنان گرفتار افراط و تفریط شده و با انحراف از مسیر حق، به عنوان ابزاری در دست کانون‌های قدرت فاسد جهانی و سرویس‌های اطلاعاتی نظام‌های استکباری برای ایجاد تفرقه و جنگ خانگی در جوامع اسلامی به کار گرفته شده‌اند. آنان بر خلاف صریح آموزه‌ها و اهداف اسلامی، اولویت خود را تغییر داده و با نظام‌های استکباری صهیونیسم جهانی و مافیای قدرت و ثروت بین‌المللی همراه و همکار شده‌اند.

در نقطه مقابل این جریان، مقاومت اسلامی هوشمندی است که ریشه در اسلام ناب محمدی «صلی الله علیه و آله و سلم» و آموزه‌های معارف اهل بیت «علیهم السلام» دارد. این جریان با وجود مزیت‌های

۱. بیانات در دانشگاه افسری امام علی «علیه السلام»، ۱۳۹۰/۰۸/۱۹.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=17868>

۲. سید روح‌الله موسوی خمینی، صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۲۱.

ناشی از اصالت، ارتباط کانون رهبری آن با نبوت و امامت از طریق نیابت، یکپارچگی در رهبری، داشتن نظام اولویت‌ها در دشمنی و دوستی و رعایت اصل قرآنی «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ»^۱ هیچ‌گاه جای دوست و دشمن را عوض نکرده است و در مجموعه جهان اسلام هر جا که لازم باشد، با انعطاف و کوتاه آمدن مانع تضعیف قدرت داخلی مسلمین شده است. این امر یکی از مصادیق بارز هوشمندی این جبهه است که در عین حفظ دشمنی آشتی‌ناپذیر با جبهه کفر و شرک و استکبار جهانی، وحدت جامعه اسلامی را حفظ کرده است. این مسئله نشان‌دهنده معقولیت این جبهه و مقبولیت آن نزد عقلای جهان اسلام و حتی آزادی‌خواهان جهان و در نتیجه گسترش تفکر اسلام ناب با محوریت اهل بیت علیهم‌السلام خواهد شد.

فهرست منابع

کتاب

قرآن کریم

۱. جوینی، عطاملک بن محمد، تاریخ جهانگشای جوینی، تهران: ارغوان، ۱۳۷۰ ش.
۲. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم: موسسه آل‌البیت علیهم‌السلام لإحیاء التراث، ۱۴۰۹ ق.
۳. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۵ ش.
۴. صالح‌نژاد، حسن، «مفهوم قدرت هوشمند و نقش آن در سیاست جدید»، تهران: دفتر مطالعات سیاسی (گروه مطالعات بنیادی حکومتی)، ۱۳۹۸ ش.
۵. طبرسی، علی بن حسن، مشکاة الانوار فی غرر الاخبار، قم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۴۳ ش.
۶. عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۰ ش.
۷. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۸. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه‌الله وحدت از دیدگاه امام خمینی رحمه‌الله، تبیان، دفتر ۱۵، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه‌الله، ۱۳۸۶ ش.
۹. موسوی خمینی، سید روح‌الله، صحیفه نور، تهران: مرکز مدارك فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۱ ش.

۱. فتح: ۲۹.

۱۰. بلخی، جلال‌الدین محمد، *مثنوی معنوی*، چاپ ۲۵، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۹۷ش.

سایت‌ها

پایگاه اطلاع‌سانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله العظمی سید علی حسینی خامنه‌ای.

پاسخ به پرسش‌های مناطق مشترک

حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالله مؤمنی*

مقدمه

یکی از شیوه‌های بیان معارف در قرآن، سنت پرسش و پاسخ است: «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي»^۱ و از تو درباره روح سؤال می‌کنند، بگو روح از فرمان پروردگار من است». بی‌شک نشاط علمی جامعه در زمینه‌های گوناگون در گرو پرسش و پاسخ است. راه مقاوم‌سازی باورها و جداسازی آن‌ها از خرافات نیز پاسخ‌های منطقی به پرسش‌هاست. در این مقاله تلاش شده است به پاسخ برخی از پرسش‌هایی که شیعیان در مناطق مشترک بیشتر مورد سؤال قرار می‌گیرند، پرداخته شود.

۱. آیا نیاکان پیامبر ﷺ یکتاپرست بودند؟

با توجه به اینکه تعداد انگشت‌شماری از اعراب آن زمان به خداوند و خالق هستی اعتقاد داشتند، مقصود از ایمان نیاکان پیامبر ﷺ یکتاپرستی آنان و پرهیز از پرستش بت‌هاست. بیشتر دانشمندان اهل سنت یکتاپرستی نیاکان پیامبر ﷺ را پذیرفته‌اند و به کفر آنان معتقدند. آنان برای این عقیده خود به آیه‌ای از قرآن استدلال می‌کنند که از به بت‌پرستی «آزر»، پدر حضرت ابراهیم ﷺ که یکی از اجداد پیامبر ﷺ است، اشاره کرده است.^۲

پاسخ: واژه «آب»، «پدر» و ... در زبان عربی، فارسی و دیگر زبان‌ها همان‌گونه که

* کارشناس ارشد مذاهب اسلامی.

۱. اسراء: ۸۵.

۲. انعام: ۷۴، مریم: ۱۴ و ۴۲، شعراء: ۶۹ و ۷۰.

درباره پدر صُلبی به کار می‌رود، به سرپرست، عمو، معلم، پدرخوانده و ... نیز اطلاق می‌شود؛ چنانکه لفظ «ابن» و «پسر» نیز هم مشمول پسر صُلبی و هم پسر دختر، شاگرد و ... می‌شود. در قرآن هنگامی که حضرت یعقوب علیه السلام در وقت وفات از پسرانش سؤال می‌کند پس از من چه چیز را می‌پرستید؟ آن‌ها می‌گویند: «قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَإِلَهَ آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ»^۱ گفتند ما معبود تو و معبود پدرانت ابراهیم و اسماعیل و اسحاق را می‌پرستیم. در این آیه لفظ «پدر» بر اسماعیل علیه السلام اطلاق شده است، در حالی که آن حضرت عموی یعقوب علیه السلام بود. علامه طباطبائی با استناد به آیاتی از قرآن ثابت می‌کند که آزر عموی حضرت ابراهیم علیه السلام بوده است.^۲ برخی مفسرین و محققین همچون مسعودی، یعقوبی، ماوردی، سنوسی، تلمسانی و سیوطی ایمان اجداد پیامبر صلی الله علیه و آله را پذیرفته‌اند.^۳

شیعه بر این باور است که نور مقدس پیامبر صلی الله علیه و آله در صُلب و رحم مشرکی قرار نگرفته است؛ از این رو پدر، مادر و اجداد پیامبر صلی الله علیه و آله تا حضرت آدم علیه السلام همگی یکتاپرست بوده‌اند.^۴ گروهی از آنان ایمان خویش را اظهار کرده و گروهی دیگر پنهان و تقیه نموده‌اند.^۵ شیخ صدوق می‌نویسد: «اعتقادنا فیهم إثمهم مسلمون من آدم الی أبیه عبدالله»^۶ اعتقاد ما درباره نیاکان پیامبر صلی الله علیه و آله آن است که از حضرت آدم علیه السلام تا عبدالله پدر پیامبر صلی الله علیه و آله همگی یکتاپرست بوده‌اند. شیخ مفید نیز دیدگاه شیخ صدوق را پذیرفته است.^۷ ابوعلی طبرسی، مفسر شیعه نیز معتقد است علمای شیعه بر این مطلب اجماع دارند که تمامی اجداد پیامبر صلی الله علیه و آله یکتاپرست بوده‌اند.^۸

آیات

الف: «الَّذِي يَرَاكَ حِينَ تَقُومُ وَتَقْلَبُ فِي السَّاجِدِينَ»^۹ همان کسی که تو را هنگامی که

۱. بقره: ۱۳۳.

۲. سید محمدحسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۱۷۱ - ۱۶۸.

۳. جعفر مرتضی عاملی، الصحیح من سیرة النبی الأعظم، ج ۲، ص ۷۳.

۴. همان.

۵. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۵، ص ۱۱۷.

۶. محمد بن علی صدوق، الاعتقادات الامامیه، ص ۱۱۰.

۷. محمد بن محمد مفید، تصحیح اعتقادات الامامیه، ص ۱۳۹.

۸. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۷۹۸.

۹. شعراء: ۲۱۸.

(برای عبادت) بر می‌خیزی، می‌بیند و به انتقال تو در اهل سجود (و به دوران تحولت از اصلاّب شامخه به ارحام مطهره) آگاه است».

طبرسی در معنای این آیه می‌نویسد: «روح پیامبر ﷺ در صُلب پیامبران قرار داشت؛ پیامبری بعد از پیامبر دیگر تا اینکه خداوند او را از صُلب پدرش از ازدواجی پاک و دور از هر گونه ناپاکی از زمان آدم ﷺ به بعد بیرون فرستاد». بنابراین آیه، گواهی بر یکتاپرست بودن نیاکان پیامبر ﷺ است. در تفاسیر روایی شیعه نیز ذیل این آیه روایاتی که بر یکتاپرست بودن اجداد پیامبر ﷺ دلالت دارند، بیان شده است.^۱ محمود آلوسی نیز معتقد است اگر مراد از ساجدان، مؤمنان باشد؛ با این آیه بر وجود ایمان پدران پیامبر خدا ﷺ استدلال شده است و جمعی از اجله اهل سنت بر این عقیده استوارند.^۲

ب: «رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمَيْنِ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ ... وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ»^۳ پروردگارا! ما را تسلیم فرمان خود قرار ده و از دودمان ما، امتی که تسلیم فرمانت باشند، به وجود آور ... پروردگارا، در میان آنان رسولی از خودشان برانگیز». «وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ»^۴ و خدا این خداپرستی را در همه ذریت او تا قیامت کلمه باقی گردانید، باشد که (همه فرزندانش به خدای یکتا) رجوع کنند». این آیات به صراحت گواهی می‌دهد که در نسل ابراهیم ﷺ همواره یکتاپرست و مسلمان وجود داشته است. پیامبر ﷺ نیز در روایتی فرموده است: «من پیوسته در بهترین خانواده‌ها و نیکوترین فرقه‌ها بودم».^۵ بنابراین نمی‌توان پذیرفت یکی از اجداد پیامبر ﷺ کافر باشند؛ چرا که یا باید گفت در آن زمان هیچ گروهی مؤمن نبوده است که با آیه قرآن ناسازگار است و یا باید گفت با وجود گروه مؤمن، پیامبر ﷺ (پنا بر خدا) از نسل گروه کافر بوده است که باز با کلام آن حضرت سازگار نیست. در حالت سوم و با وجود گروه مؤمن، باید پیامبر ﷺ را از نسل کفار و در عین حال نسل ایشان را بهترین بدانیم که به معنای بهتر دانستن خاندان کافران از خاندان

۱. محمد بن حسن طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۶۸.

۲. محمود بن عبدالله آلوسی، روح المعانی، ج ۱۰، ص ۱۳۵.

۳. بقره: ۱۲۸.

۴. زخرف: ۲۸.

۵. محمد بن عیسی ترمذی، سنن الترمذی، ج ۵، ص ۵۸۴؛ محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح بخاری،

ج ۴، ص ۱۸۹.

یکتاپرست است و با آیه شریفه «وَلَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكٍ...»^۱ همانا بنده مؤمن بسی بهتر از آزاد مشرک است»، مخالف است. با بطلان این سه احتمال باید پذیرفت که تمامی نیاکان پیامبر ﷺ موحد بوده‌اند.

روایات

در منابع حدیثی شیعه روایات بسیاری ایمان اجداد پیامبر ﷺ را اثبات می‌کند. جابر بن عبدالله انصاری از رسول‌خدا ﷺ چنین نقل می‌کند:

إِنَّ اللَّهَ (تَعَالَى) لَمَّا أَحَبَّ أَنْ يَخْلُقَنِي، خَلَقَنِي نُطْفَةً بَيْضَاءَ طَيِّبَةً، فَأَوْدَعَهَا صُلْبَ أَبِي آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَلَمْ يَزَلْ يَنْقُلُهَا مِنْ صُلْبِ طَاهِرٍ إِلَى رَحِمِ طَاهِرٍ إِلَى نُوحٍ وَإِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، ثُمَّ كَذَلِكَ إِلَى عَبْدِ الْمُطَّلِبِ، فَلَمْ يُصْبِنِي مِنْ دَنَسِ الْجَاهِلِيَّةِ؛^۲ همانا خداوند هنگامی که خواست مرا بیافریند، مرا به شکل نطفه‌ای سفید و پاک آفرید و سپس آن را در پشت آدم ﷺ قرار داد، و پیوسته آن را از پشت و رحم‌های پاک به دیگری انتقال می‌داد تا اینکه به پشت نوح و ابراهیم ﷺ راه یافت، سپس به همین ترتیب به عبدالمطلب رسید، از پلیدی‌های جاهلیت هیچ چیز دامن مرا نیالود.

امیرالمؤمنین ﷺ ضمن بیان ویژگی‌های پیامبران می‌فرماید:

خداوند پیامبران را در بهترین ودیعتگاه‌ها به ودیعت نهاد و در شریف‌ترین قرارگاه‌ها جای داد. آنان را از صُلب‌هایی کریم به رحم‌هایی پاکیزه منتقل فرمود. هر گاه یکی از ایشان از جهان رخت بریست، دیگری برای اقامه دین خدا جای او را گرفت تا کرامت نبوت از سوی خداوند سبحان نصیب محمد ﷺ گردید. او را از نیکوترین خاندان‌ها و عزیزترین دودمان‌ها بیرون آورد، از شجره‌ای که پیامبرانش را از آن آشکار نموده بود و امینان وحی خود را از آن برگزیده بود. خاندان او، بهترین خاندان‌هاست و اهل‌بیتش، نیکوترین اهل‌بیت‌ها.^۳

در متون تاریخی نیز دلایلی بر یکتاپرست بودن نیاکان پیامبر ﷺ وجود دارد؛ مانند دعای عبدالمطلب هنگام هجوم ابرهه به مکه برای خراب کردن کعبه و توکل او به خداوند متعال^۴ یعقوبی می‌نویسد: «حضرت عبدالمطلب، جد پیامبر ﷺ به دلیل عمل

۱. بقره: ۲۲۱.

۲. محمد بن حسن طوسی، الامالی، ج ۱، ص ۵۰۰.

۳. محمد بن حسین شریف الرضی، نهج البلاغه، ص ۱۳۹، خطبه ۹۴.

۴. اسماعیل بن عمر ابن کثیر قرشی، السیره النبویه، ج ۱، ص ۳۴.

به آیین حنیف ابراهیمی به ابراهیم ثانی ملقب شده بود».^۱
 از عبدالمطلب شعری نیز نقل شده است که بر موحد بودن ایشان دلالت می‌کند:
 یا رب أنت الأحد الفرد الصمد
 إن شئت ألهمت الصواب و الرشد^۲
 «ای پروردگار! تو احد، فرد و صمد هستی. اگر بخواهی، راه راست و رستگاری را
 الهام می‌کنی».
 بنابراین پیامبر ﷺ از صلب یکتاپرستانی است که پاک‌ترین و بهترین اهل زمان خود
 بوده‌اند.

۲. بدعت چیست و مصادیق و احکام آن کدام است؟

بدعت در لغت از ریشه «بدع» به معنای ایجاد امر تازه و بدون سابقه است.^۳ در
 اصطلاح نیز به معنای ایجاد پدیده‌ای است که سابقه‌ای از آن در قرآن، سنت، اجماع
 و دیگر ادله شرعی نباشد و البته با نیت شرعی‌سازی (تشریع) همراه باشد.^۴ در برخی
 آیات قرآن، بدعت به معنای تجاوز از حدود الهی و ظلم،^۵ افترا بر خداوند^۶ و گناه^۷
 آمده است. در روایات فریقین نیز بدعت، نکوهش و از گناهان معرفی شده است.^۸ از
 همین روست که علمای شیعه و اهل سنت بدعت را حرام و از مصادیق کفر و شرک
 دانسته‌اند.

تعریف بدعت

مسلمانان همواره درباره علت بدعت اختلاف داشته‌اند و مذاهب اسلامی یکدیگر را
 به بدعت متهم می‌کنند. ابن تیمیه افراد و گروه‌های بسیاری را به بدعت متهم کرده و
 بسیاری از اعمال و رفتار رایج را بدعت دانسته است.^۹

۱. احمد بن اسحاق یعقوبی، تاریخ الیعقوبی، ج ۲، ص ۱۱.

۲. همان، ج ۱، ص ۲۴۷.

۳. خلیل بن احمد فراهیدی، العین، ج ۲، ص ۵۴.

۴. احمد بن علی ابن حجر عسقلانی، فتح الباری، ج ۱۳، ص ۲۵۳.

۵. مائده: ۸۷.

۶. انعام: ۱۴۴.

۷. نحل: ۲۵.

۸. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۶؛ احمد بن حنبل شیبانی، مسند أحمد، ج ۲۸، ص ۳۷۵.

۹. احمد بن عبدالحلیم ابن تیمیه، مجموعه الرسائل والمسائل، ج ۱، ص ۱۲۵.

برخی همچون بر بهاری، ابن تیمیه^۱ و محمد بن عبدالوهاب، با خلط معنای لغوی و اصطلاحی دامنه بدعت را توسعه داده و پدیده‌های جدید پس از رحلت پیامبر ﷺ را بدعت و حرام دانسته‌اند؛ مواردی همچون خواندن ذکر یا دعا بعد از اذان، تلاوت با صدای بلند، مجلس بزرگداشت مولید و وفیات برای بزرگان دین، مولودی‌خوانی، بلند گفتن ذکر لا اله الا الله بلند کردن هنگام تشییع جنازه، آویختن پرچم در تکایا.

برخی دیگر با تقسیم پدیده‌های پس از رحلت رسول خدا ﷺ به دو قسم شایسته و ناشایست، بدعت ناشایست را حرام کرده‌اند.^۲ منشأ اصلی این تقسیم‌بندی نیز قول خلیفه دوم درباره نماز تراویح است که به دستور وی در شب‌های ماه رمضان به صورت جماعت خوانده و گفته شد: «نِعَمُ الْبِدْعَةُ هَذِهِ»^۳ این چه بدعت نیکویی است». گروهی نیز عملی را بدعت می‌دانند که دارای دو ویژگی باشد: ریشه و دلیلی در شریعت اسلام برای آن عمل یافت نشود، وانمود کردن آن عمل به عنوان طریق شرعی.^۴

دیدگاه سوم، بهترین دیدگاهی است که تا کنون ارائه شده است و روایات اسلامی آن را تأیید می‌کند؛ زیرا در بسیاری از روایات بدعت را در برابر سنت به کار برده و سنت، یعنی روشی که پیامبر ﷺ آن را بنیان نهاده و بر آن مواظبت داشته است. به قرینه مقابله روشن می‌شود که بدعت، شیوه‌ای است که بانی آن پیامبر ﷺ نبوده است و آن شیوه به نام دین رواج داده شده است. مواردی نیز که در روایات به عنوان مصادیق بدعت یاد شده، مؤید این مدعاست. بنابراین نوآوری‌هایی که ارتباطی به شریعت ندارد و مسئله عرفی و عادی است، بدعت نخواهد بود. اساس بدعت به این نکته باز می‌گردد که آن پدیده، فاقد ریشه شرعی است و شرعی‌سازی شده است. این در حالی است که اگر دلیلی شرعی به صورت خاص یا کلی یا حتی عمومات بر مشروعیت آن دلالت داشته باشد، آن عمل بدعت نخواهد بود.^۵

بسیاری از رفتارهای شیعه که توسط برخی بدعت شمرده شده است، تحت

۱. محمد بن ابی یعلی، طبقات الحنابلہ، ج ۲، ص ۱۸؛ سلیمان بن سمحان نجدی، الهدایة السنیة والتحفة الوهابیة النجدیة، ج ۱، ص ۴۷.

۲. جعفر سبحانی، البدعة و آثارها الموقیة، ص ۲۶ و ۲۷.

۳. محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح بخاری، ج ۳، ص ۴۵.

۴. ملا احمد نراقی، عوائد الایام، ج ۱، ص ۱۱۲.

۵. احمد بن علی ابن حجر عسقلانی، فتح الباری، ج ۱۳، ص ۲۵۴.

عمومات و ضوابط کلی شرع قرار می‌گیرد؛ مانند مجالس جشن و سوگواری اهل بیت علیهم‌السلام که مصداق و جلوه محبت اهل بیت است.

۳. آیا جمله «حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ» جزء اذان و اقامه است و چرا اهل سنت در اذان صبح، «الصلوة خير من النوم» می‌گویند؟

فقه‌های شیعه، زیدیه و اسماعیلیه عبارت «حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ» (حیعه) را یکی از اجزای اذان و اقامه می‌دانند^۱ و به روایات بسیاری در این زمینه استدلال کرده‌اند.^۲ این در حالی است که فقهای اربعه اهل سنت این جمله از فقرات اذان و اقامه نمی‌دانند^۳ و عبارت «الصلوة خير من النوم» (تثویب) را در اذان صبح مستحب می‌دانند.^۴ در برخی منابع اهل سنت عبارت «حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ» جزئی از اذان دانسته شده است؛ چنانکه از عبدالله بن عمر چندین روایت نقل شده است که این عبارت را در اذان می‌آورده است.^۵ بر اساس نقل بیهقی، ابو امامه، سهل بن حنیف و بلال حبشی نیز این عبارت را در اذان‌شان آورده‌اند.^۶ فقهای اهل سنت این روایات را نمی‌پذیرند؛ زیرا معتقدند این روایات در مصادر حدیثی دست دوم آمده و راویان احادیث ضعیف و از درجه اعتبار ساقط هستند. برخی نیز معتقدند این جمله در عصر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم جز اذان بوده و در عصر خلیفه دوم به خاطر مصلحت‌اندیشی وی که این جمله موجب اهمیت دادن بیش از اندازه مسلمانان به نماز و سستی آنان نسبت به جهاد می‌شود، از اذان حذف شد؛^۷ چنانکه در حدیثی از امام باقر و امام صادق علیهما‌السلام آمده است:

كَانَ الْأَذَانُ بِحَيِّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ بِهِ أُمِرُوا فِي أَيَّامِ أَبِي بَكْرٍ وَ صَدْرِ مِنْ أَيَّامِ عُمَرُ ثُمَّ أَمَرَ عُمَرُ بِقَطْعِهِ وَ حَذْفِهِ مِنَ الْأَذَانِ وَ الْإِقَامَةِ فَقِيلَ لَهُ فِي ذَلِكَ فَقَالَ إِذَا سَمِعَ النَّاسُ أَنَّ الصَّلَاةَ خَيْرُ الْعَمَلِ تَهَاوَنُوا بِالْجِهَادِ وَ تَخَلَّفُوا عَنْهُ؛^۸ جمله «حی علی خیر

۱. علی بن حسین سید مرتضی، الانتصار، ص ۱۳۷؛ حافظ علوی، الاذان بحی علی خیر العمل، ص ۹۱.

۲. محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۴۱۶.

۳. محمد شوکانی، نیل الاوطار، ج ۲، ص ۴۶.

۴. عبدالرحمن الجزیری، الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۲۸۲.

۵. ابوبکر بن حسین بیهقی، السنن الکبری، ج ۱، ص ۴۲۴؛ عبدالله بن محمد ابن ابی شیبه، المصنف، ج ۱، ص ۱۹۶.

۶. سلیمان بن احمد طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۱، ص ۳۵۲.

۷. سعدالدین مسعود بن عمر تفتازانی، شرح المقاصد فی علم الکلام، ج ۵، ص ۲۸۳.

۸. نعمان بن محمد ابن حیون مغربی، دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۱۴۲.

العمل» در زمان رسول خدا ﷺ و نیز در زمان ابوبکر و اوایل خلافت عمر گفته می‌شد. سپس عمر دستور حذف آن را داد. وقتی علت آن را پرسیدند، گفت: مردم عوام وقتی بشنوند که نماز بهترین عمل است، در جهاد سستی کرده و از رفتن به جبهه خودداری می‌کنند.

این تصمیم خلیفه، اجتهاد در برابر نص است؛ زیرا مگر جنگ‌های زمان خلفا از غزوات و سرایای پیامبر ﷺ مهم‌تر بوده است که پیامبر ﷺ از گفتن این جمله نهی نکرد.

۴. نذر برای اولیا خدا چه حکمی دارد؟

یکی از اقسام نذر رایج میان مسلمانان، نذر عملی مانند قربانی برای خدا و هدیه دادن ثواب آن به یکی از اولیای الهی یا بندگان صالح خداست. برخی نیز نذر می‌کنند که در صورت برطرف شدن گرفتاری خود، مبلغی یا گوسفندی را نذر اطعام فقرا یا زائران کنند. نذر آنان برای خداست، اما ثواب آن عمل هدیه به ولی خداست. در میان علمای اهل سنت، تنها فرقه وهابیت این نوع نذر کردن را حرام و معصیت دانسته‌اند؛ چنانکه ابن تیمیه می‌گوید نذر برای قبر یا اهل قبور، حرام و معصیت است.^۱ ارزش هر عملی، به نیت آن عمل است. اگر نذر برای غیر خدا باشد، به این نیت که آن شخص شایسته این نذر است و زمام امور به دست اوست، شرک محسوب می‌شود؛ اما اگر نیت نذرکننده صدقه‌ای باشد تا ثواب آن به ولی خدا برسد، قطعاً صحیح است. خالدی، عالم اهل سنت پس از تأیید این مطلب می‌گوید: «تصور اینکه انبیا و صالحین بت‌هایی هستند - پناه بر خدا - و نیز عیدهایی از اعیاد جاهلیت است، از گمراهی و خرافات و جسارت این گروه بر انبیای الهی و اولیای اوست».^۲ در نقل تاریخی آمده است: شخصی نذر کرد که شتری را در منطقه‌ای نحر کند. از پیامبر ﷺ در این باره سؤال نمود. حضرت فرمود: «در آن مکان بتی که عبادت شود، وجود دارد؟». عرض کرد: «خیر». حضرت دوباره فرمود: «آیا در آن مکان، عید مشرکین گرفته می‌شود؟». عرض کرد: «خیر». آنگاه حضرت فرمود: «به نذر خود وفا

۱. احمد بن عبدالحلیم ابن تیمیه، اقتضاء الصراط المستقیم، ص ۳۱۵.

۲. داوود بن سلیمان خالدی، صلح الإخوان، ص ۱۰۲.

کن.»^۱ همچنین شخص دیگری نیز نقل می‌کند: پدرم به پیامبر ﷺ عرض کرد: «من نذر کرده‌ام که پنجاه گوسفند در بوانه ذبح کنم». حضرت فرمود: «آیا در آنجا چیزی از این بت‌ها وجود دارد؟». جواب داد: «خیر». حضرت فرمود: «پس به نذرت وفا کن.»^۲

ابی داوود نیز نقل کرده است که زنی نزد رسول‌خدا ﷺ آمد و عرض کرد: «ای رسول‌خدا ﷺ! ... من نذر کرده‌ام که در فلان مکان - که در آنجا اهل جاهلیت ذبح می‌کردند - ذبح نمایم». پیامبر ﷺ فرمود: «آیا در آنجا بت بزرگ است؟». آن زن عرض کرد: «خیر». حضرت نیز فرمود: «آیا بت کوچک است؟». عرض کرد: «خیر». در این هنگام پیامبر ﷺ فرمود: «به نذرت وفا کن.»^۳

فهرست منابع

۱. ابن ابی شیبہ، محمد بن عبدالله، المصنف، چاپ اول، ریاض: مکتبه الرشد، ۱۴۰۹ق.
۲. ابن ابی یعلی، محمد بن محمد، طبقات الحنابلہ، بیروت: دارالمعرفه، بی تا.
۳. ابن تیمیہ، احمد بن عبدالحلیم، اقتضاء الصراط المستقیم، تحقیق ناصر عبدالکریم العقل، چاپ هفتم، بیروت: دار العالم الکتب، ۱۴۱۹ق.
۴. _____، مجموعه الرسائل والمسائل، مصر: المنار، ۱۳۴۹ق.
۵. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، فتح الباری، بیروت: دارالمعرفه، ۱۳۷۹ق.
۶. ابن حیون مغربی، نعمان بن محمد، دعائم الإسلام، تحقیق آصف فیضی، قم: مؤسسه آل‌البیت ﷺ، ۱۳۸۵ق.
۷. ابن حنبل، احمد بن محمد، المسند/احمد بن حنبل، تحقیق شعیب الأرئوط، چاپ اول، بیروت: مؤسسه الرسالة، ۱۴۲۱ق.
۸. ابن کثیر قرشی، اسماعیل بن عمر، السیرة النبویة، تحقیق مصطفی عبدالواحد، بیروت: دارالطباعة، ۱۳۹۵ق.
۹. ابن ماجه قزوینی، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، تحقیق محمدفؤاد عبدالباقی، بی جا: دار إحياء الكتب العربية، بی تا.

۱. ابوداود سلیمان بن اشعث سجستانی، سنن ابی داود، ج ۳، ص ۲۳۸.

۲. محمد بن یزید ابن ماجه قزوینی، سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۶۸۸.

۳. ابی داود سلیمان بن اشعث سجستانی، سنن ابی داود، ج ۳، ص ۲۳۸؛ علی اصغر رضوانی، سلسله مباحث وهابیت‌شناسی، ص ۶۸.

۱۰. ابوداود سجستانی، سلیمان بن اشعث، سنن أبی داود، تحقیق محمد محیی الدین عبدالحمید، بیروت: المكتبة العصرية، بی تا.
۱۱. آلوسی، محمود بن عبدالله، روح المعانی، تحقیق علی عبدالباری عطیة، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۵ق.
۱۲. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، تحقیق محمد زهیر بن ناصر الناصر، چاپ اول، بیروت: دار طوق النجاة، ۱۴۲۲ق.
۱۳. بیهقی، ابوبکر بن حسین، السنن الکبری، دار الکتب العلمیة، بیروت - لبنات چاپ دوم، ۱۴۲۴ق.
۱۴. ترمذی، محمد بن عیسی، سنن الترمذی، تحقیق إبراهیم عطوة، چاپ دوم، مصر: شركة مصطفى البابي، ۱۳۹۵ق.
۱۵. تفتازانی، سعدالدین مسعود بن عمر، شرح المقاصد فی علم الکلام، چاپ اول، قم: الشریف الرضی، ۱۴۰۹ق.
۱۶. الجزیری، عبدالرحمن، الفقه علی المذاهب الأربعة، چاپ دوم، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۴ق.
۱۷. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، تحقیق: مؤسسة آل البيت علیهم السلام، قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام، بی تا.
۱۸. خالیدی، داوود بن سلیمان، صالح الاخوان، مصر: المنار، بی تا.
۱۹. رضوانی، علی اصغر، سلسله مباحث وهابیت شناسی: وهابیت و توجه به اولیاء، قسم، دعا، نذر و قربانی، چاپ اول، تهران: مشعر، ۱۳۹۰ش.
۲۰. سبحانی، جعفر، البدعه و آثارها الموبقه، تهران: مشعر، ۱۴۱۶ق.
۲۱. سید مرتضی، علی بن حسین، الانتصار، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۵ق.
۲۲. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغة، چاپ اول، قم: هجرت، ۱۴۱۴ق.
۲۳. شوکانی، محمد بن علی، نیل الاوطار، چاپ اول، مصر: دارالحدیث، ۱۴۱۳ق.
۲۴. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ق.
۲۵. طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الکبیر، چاپ دوم، قاهره: مكتبة ابن تیمیة، بی تا.
۱. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تصحیح فضل الله یزدی طباطبایی؛ چاپ سوم، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.

۲۶. طوسی، محمد بن حسن، *الامالی*، چاپ اول قم: دار الثقافة، قم، ۱۴۱۴ق.
۲۷. _____، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۲۸. صدوق، محمد بن علی، *اعتقادات الامامیه*، چاپ دوم، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۴ق.
۲۹. عاملی، جعفر مرتضی، *الصحيح من سيرة النبي الأعظم*، چاپ چهارم، قم: دارالحديث، ۱۴۲۶ق.
۳۰. فراهیدی، خلیل بن احمد، *العین*، بیروت: دار و مكتبة الهلال بی تا.
۳۱. کلینی، محمد بن یعقوب، *الكافی*، تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۳۲. مجلسی، محمدباقر، *بحار الأنوار*، چاپ دوم، بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ق.
۳۳. مفید، محمد بن محمد، *تصحیح اعتقادات الامامیه*، تحقیق حسین درگاهی، چاپ دوم، قم: کنگره شیخ ۱۴۱۴ق.
۳۴. نجدی، سلیمان بن سمحان، *الهدایة السنیة والتحفة الوهابیة النجدیة*، مصر: مطبعة المنار، بی تا.
۳۵. نراقی، ملا احمد، *عوائد الایام*، چاپ دوم، قم: مکتبه بصیرتی، ۱۴۰۸ق.
۳۶. یعقوبی، احمد بن اسحاق، *تاریخ الیعقوبی*، بیروت: دار طادر، بی تا.

بایسته‌های تبلیغ در مناطق مشترک

حجت‌الاسلام والمسلمین موسی‌الرضا تیموری*

مقدمه

تبلیغ دین به معنای رساندن آموزه‌های دینی و تأکید بر انجام اوامر و دوری از نواهی الهی جهت رشد و هدایت انسان‌ها، یکی از وظایف و رسالت‌های مهم انبیای الهی و وارثان آنان است و اینک حوزه‌های علمیه و روحانیون به عنوان وارثان انبیاء، این تکلیف را بر دوش دارند. خداوند متعال در قرآن کریم با تمجید از مبلغین، کار آنان را ارزشمند دانسته و فرموده است: «وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا»^۱ کیست خوش‌گفتارتر از آن‌که به سوی خدا دعوت کند و کار نیک انجام دهد». رهبر معظم انقلاب «عَلَيْهِ السَّلَام»، تبلیغ دین را وظیفه اصلی روحانیون می‌داند تا دل‌ها و ذهن‌های مخاطبین به سمت یک هدف عالی و ولایی سوق پیدا کند: «جامعه علمی - دینی یعنی روحانیت، اولین وظیفه‌اش تبلیغ است. تبلیغ یک وظیفه درجه دوم و مخصوص عده‌ای خاص از روحانیون نیست، شرایط و لوازم و نیازها و تلاش‌هایی احتیاج دارد. کسانی که اهل این کارند، باید دامن همت به کمر بزنند و آستین‌ها را بالا کنند و این حرکت را انجام دهند».^۲ برای تأثیرگذاری تبلیغ، باید راهبرد مناسب آن در هر قشر و منطقه، مناسب و منطبق با زمان و مکان باشد. بر این اساس، تبلیغ در مناطق مشترک نیز از ویژگی‌های خاصی برخوردار است که با توجه به اهمیت

* دانش‌آموخته سطح چهار حوزه علمیه قم.

۱. فصلت: ۳۳.

۲. بیانات در دیدار جمعی از روحانیون، ۱۳۷۴/۱۰/۲۷.

موضوع، برخی از بایسته‌های تبلیغ در آن مناطق به اختصار ذکر می‌شود.^۱

۱. ترویج آموزه‌های قرآنی و برگزاری جلسات مشترک قرآن

قرآن کریم، معجزه الهی و کتاب مقدس همه مسلمانان است و جایگاه و حرمت خاصی در میان همه مذاهب اسلامی دارد. دعوت به توحید و یکتاپرستی، دوری از شرک و نفاق، دعوت به اتحاد و انسجام امت اسلامی و پرهیز از تفرقه، بخشی از آموزه‌های قرآن کریم است که باید سرلوحه زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان قرار گیرد.

با توجه به جایگاه ویژه قرآن در جوامع اسلامی و مسلمانان، ضرورت دارد مبلغان مناطق مشترک در تبلیغ خود، قرآن را محور تبلیغ قرار دهند و عنایت ویژه‌ای به آن داشته باشند. تلاوت زیبای قرآن و حفظ آیات نورانی آن توسط مبلغان و شیعیان، موجب نورانیت قلب و روح می‌شود و به آسانی برخی از شبهات معاندان را نسبت به شیعه همچون تحریف قرآن و عدم اعتقاد شیعیان به آن و نیز شبهه عدم امکان حفظ قرآن توسط شیعیان از بین می‌رود. برگزاری جلسات قرائت قرآن به‌ویژه در ایام ماه رمضان که بهار قرآن است، با حضور قاریان شیعه و اهل سنت و تلاوت آیات نورانی آن توسط روحانیون تشیع و تسنن، جلوه خاصی از وحدت و همگرایی و تمسک به قرآن را به نمایش می‌گذارد. همچنین اهدای قرآن با چاپ جمهوری اسلامی ایران به مساجد و افراد مؤثر و شاخص نیز اثر مثبتی خواهد داشت؛ زیرا بیشتر قرآن‌های موجود در مناطق مشترک، با رسم الخط‌های خاص در کشورهای پاکستان، افغانستان و عربستان است. ترویج رسم الخط رسمی جمهوری اسلامی ایران در مناطق، ضرورت دارد. تأسیس و حمایت از مؤسسات قرآنی نیز می‌تواند اثربخشی بسیاری داشته باشد.

۲. تبیین صحیح مبانی مکتب اهل بیت علیهم‌السلام

از ابتدای شکل‌گیری مذهب تشیع و مکتب نورانی اهل بیت علیهم‌السلام تا کنون، عناد و دشمنی فراوانی نسبت به آن شکل گرفته و به شدت مورد بغض و کینه معاندان و

۱. در قسمت اول این مقاله (چاپ شده در شماره ششم نشریه ره‌توشه، ویژه مناطق مشترک، تابستان ۱۴۰۰) مواردی از بایسته‌های تبلیغ در مناطق مشترک بیان شد. در این قسمت، بخش دوم آن ذکر می‌شود.

مخالفان واقع شده است. آنان همواره تلاش کرده‌اند به هر طریقی، مبانی این مذهب را مخدوش و پیروان آن را از بین ببرند و مانع گسترش آن شوند. جنایاتی که علیه ائمه علیهم‌السلام به‌ویژه حادثه دردناک و ناگوار کربلا به‌وجود آمد، بر اساس همین بغض‌ها و دشمنی‌ها بود. طرح تهمت‌ها و شبهات متعدد توسط معاندین بر این اساس بود که اجازه ندهند حقانیت تشیع به حق‌طلبان برسد. در عصر حاضر نیز معاندین و افراطیون به‌ویژه سلفی‌ها و وهابیت می‌کوشند از راه‌های مختلف و با ابزار و رسانه‌های متعدد و مخصوصاً ظرفیت فضای مجازی و ماهواره‌ای، عقاید شیعه را مورد هجمه قرار دهند و با طرح مسائل غیرعلمی و اتهامات واهی، چهره نورانی مکتب اهل‌بیت علیهم‌السلام را خدشه‌دار کنند. این شبهات در مناطق قومی و تلفیقی به مراتب بیشتر است و افزون بر مخدوش کردن ذهن و فکر اهل سنت منطقه نسبت به اعتقادات شیعیان، ممکن است بر تعامل آنان با برادران شیعه خود اثر منفی بگذارد و برخی از شیعیان بومی را نیز که از نظر اعتقادی قوی نیستند، دچار تردید در اعتقاد و مناسک دینی کند. از این رو مبلغین باید آموزه‌های دینی و مذهبی تشیع را به درستی تبیین کنند و با معرفی صحیح اعتقادات و باورهای شیعه، ایمان مردم را تقویت نمایند و کلام ائمه اهل‌بیت علیهم‌السلام را به مخاطبان برسانند تا اثرگذار باشند؛ چنانکه امام رضا علیه‌السلام فرموده است: «فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَا تَبِعُونَا»^۱ اگر مردم زیبایی سخن ما را می‌دانستند، از ما تبعیت می‌کردند».

همچنین مبلغین باید با آگاهی از جدیدترین شبهات و سؤالات مطرح شده در مناطق مشترک به‌ویژه شبهات شبکه‌های ماهواره‌ای و فضای مجازی، به آن پاسخ دهند تا وجدان‌های بیدار و انسان‌های با فطرت، حقایق را بپذیرند و کوردلان و شبهه‌افکنان مغرض نیز رسوا شوند.

۲. آشنایی با آداب و رسوم محلی و فرهنگ قومی و احترام به آن

مردم ایران به‌ویژه در مناطق مشترک، دارای آداب و رسوم محلی و فرهنگ قومی و قبیله‌ای خاص خود هستند و به آن فرهنگ و رسوم نیز علاقه دارند و احترام می‌گذارند. یکی از مهارت‌های تبلیغ در مناطق قومی و تلفیقی، آشنایی مبلغین با این فرهنگ و رسوم است. قرآن کریم با تعبیری جامع و زیبا در توصیف پیامبران فرموده

۱. محمد بن علی صدوق، عیون اخبار الرضا علیه‌السلام ج ۱، ص ۳۰۷.

است: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ»^۱ پیامبران با ادبیات گفتاری و رفتاری مردم سخن می‌گفتند». مبلغینی که به آداب و رسوم مردم مناطق آشنا هستند و به فرهنگ مردم احترام می‌گذارند، در تبلیغ خود نیز موفق‌تر هستند. آشنایی برخی مبلغین با زبان و لهجه مردم و سخن گفتن آنان با همان زبان و لهجه و یا پوشیدن لباس بومیان مناطق، موجب ایجاد نوعی انس، الفت، همدلی و حس آرامش در میان مردم منطقه می‌شود تا جایی که فرد مبلغ را از خود می‌دانند. این احساس آرامش و خودی بودن، احتمال موفقیت در تبلیغ را بیشتر می‌کند و آثار مثبتی بر جای می‌گذارد.

۳. تلاش جهت تقویت وحدت و تعامل با پیروان مذاهب

گسترش زندگی اجتماعی به‌ویژه در عصر حاضر، ضرورتی انکارناپذیر است. ملت‌های مسلمان و امت اسلامی، به این تعامل و ارتباط با یکدیگر نیاز دارند تا افزون بر رفع نیازهای فردی و اجتماعی و برآورده کردن حاجات زندگی روزمره، به حفظ اتحاد و انسجام امت اسلامی نیز کمک کنند و در برابر اجانب و بیگانگان، همانند سدی محکم و خلل‌ناپذیر، منسجم و مستحکم باشند.

آموزه‌های قرآنی و سیره پیامبر ﷺ و ائمه علیهم‌السلام همواره بر تعامل و ارتباط پیروان مذاهب با یکدیگر تأکید کرده‌اند. امامان معصوم علیهم‌السلام همیشه اصحاب و یاران خود را به شرکت در نمازهای جماعت، عیادت بیماران و حضور در تشییع اموات پیروان مذاهب اسلامی سفارش نموده‌اند؛ چنانکه امام صادق علیهما السلام در بیان استراتژی و نحوه تعامل شیعیان در جامعه به‌ویژه در ارتباط با اهل سنت به یاران خود فرموده است:

صَلُّوا عَشَائِرَكُمْ وَ أَشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ وَ عُوذُوا مَرْضَاهُمْ وَ ادَّوْا حُقُوقَهُمْ فَإِنَّ الرَّجُلَ مِنْكُمْ إِذَا وَرَعَ فِي دِينِهِ وَ صَدَقَ الْحَدِيثَ وَ أَدَّى الْأَمَانَةَ وَ حَسَّنَ خُلُقَهُ مَعَ النَّاسِ قِيلَ هَذَا جَعْفَرِيٌّ فَيُسْرِنِي ذَلِكَ وَ يَدْخُلُ عَلَيَّ مِنْهُ السُّرُورُ وَ قِيلَ هَذَا أَدَبٌ جَعْفَرِيٌّ وَ إِذَا كَانَ عَلَى غَيْرِ ذَلِكَ دَخَلَ عَلَيَّ بِلَاؤُهُ وَ عَاژَةٌ وَ قِيلَ هَذَا أَدَبٌ جَعْفَرِيٌّ^۲ با اقوام خود پیوند داشته باشید و به جنازه مرده‌های‌شان حاضر شوید و بیماران‌شان را عیادت کنید و حقوق‌شان را پردازید؛ زیرا هر کس از شما که در دینش پارسا و راستگو باشد و امانت را به صاحبش برگرداند و اخلاقش با مردم خوب باشد، گویند این جعفری است و این، مایه سرور

۱. ابراهیم: ۴.

۲. محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۳۸۹.

و شادمانی من است و اگر بر خلاف این برنامه رفتار کند، نکوهش و عار آن به من می‌رسد که با مسخره و استهزا می‌گویند ادب جعفری بهتر از این نیست. تعامل و مراوده پیروان مذاهب با یکدیگر نقش تأثیرگذاری در تقویت مشترکات مذاهب اسلامی، تحکیم، تعالی و رشد جامعه اسلامی دارد. در این تعامل هم‌چنانکه می‌توان به مناسک و اعتقادات خاص دینی خود عمل نمود، می‌توان یکی از دستاوردهای انقلاب اسلامی را که تأکید بر وحدت، انسجام و تشویق بر زندگی مسالمت‌آمیز پیروان مذاهب در کنار یکدیگر با حفظ بر اعتقادات و انجام مناسک دینی بر مبنای مذهب خود است؛ به نمایش گذاشت. شایسته است مبلغین مناطق مشترک، مردم را به تداوم زندگی مسالمت‌آمیز ترغیب و تشویق کنند و تفرقه و جدایی بر حذر دارند.

خوش اخلاقی و برخورد کریمانه

برخورد مناسب و جذاب همراه با گفتار نیکو، از دستورات دینی است. قرآن کریم رمز موفقیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جذب مردم به دین را اخلاق نیکو دانسته و فرموده است: «فَبِمَا رَحَمَهُ مِنَ اللَّهِ لَئِنْ لَمْ يَأْتِ الْوَحْيَ لَكُنْتَ مِنَ الْخَاسِرِينَ»^۱ به برکت رحمت الهی، در برابر آنان نرم و مهربان شدی و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو پراکنده می‌شدند». همچنین به آن همگان دستور داده است که با مردم به زبان خوش سخن بگویند: «قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا»^۲ با مردم به زبان خوش سخن بگویید». سفارش اهل بیت علیهم السلام به برقراری روابط اخلاقی و عاطفی با مردم و بیان شیوه‌های تحقق همزیستی اجتماعی در میان مسلمانان و حتی با پیروان مذاهب غیر اسلامی را می‌توان تلاشی سترگ در راستای وحدت اجتماعی و تقریب مذاهب اسلامی دانست. سفارش به رعایت اصول دینی و اخلاقی همچون مدارا، اخوت، معاشرت نیکو با مخالفان، حسن خلق، چشم‌پوشی از عیوب دیگران، خیرخواهی و اهتمام به امور مسلمانان و رفع حوائج آن‌ها، حمل عمل برادران دینی بر صحت، مشورت و استفاده از آرای دیگران و تأکید بر صلح، سلام، ملاقات، عیادت و دیگر مظاهر اخلاقی و عاطفی را باید از مصادیق بارز این مسئله در سیره و سنت آن بزرگواران

۱. آل عمران: ۱۵۹.

۲. بقره: ۸۳.

دانست؛ چنانکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است: «إِنَّكُمْ لَنْ تَسْعُوا النَّاسَ بِأَمْوَالِكُمْ، فَالْقَوْمُ بِطَلَاةِ الْوَجْهِ وَحُسْنِ الْبَشْرِ»^۱ شما هرگز نمی‌توانید با دارایی خود همه مردم را بهره‌مند سازید، پس با آنان با گشاده‌رویی و خوشرویی تمام برخورد کنید». امام رضا علیه السلام نیز در بیانی شیوا از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به خوش خلقی و گفتار نیک دستور داده و فرموده است: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: رَأْسُ الْعَقْلِ بَعْدَ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ التَّوَدُّدُ إِلَى النَّاسِ وَاصْطِنَاعُ الْخَيْرِ إِلَى كُلِّ بَرٍّ وَفَاجِرٍ»^۲ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: پس از ایمان به خداوند، مهربانی کردن با مردم و نیکی کردن به خوب و بد آن‌ها، بیانگر خردمندی و دوراندیشی است».

خوش خلقی، خوش‌برخوردی، اخلاق نیکو و رفتار و کردار کریمانه و مناسب در همه جا لازم و ضروری است، اما ضرورت آن در مناطق مشترک دو چندان است؛ زیرا مبلغان در جامعه، به عنوان جانشینان پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام شناخته می‌شوند و لباس روحانیت به لباس پیامبر صلی الله علیه و آله شهرت دارد. از این رو مردم از مبلغین دینی در همه جا و نسبت به هر شخصی، انتظار برخورد اخلاقی و دینی مناسب دارند؛ به‌ویژه در مناطق مشترک که پیروان دیگر مذاهب مبلغین را با ظرافت و دقت تحت‌نظر دارند و نسبت به گفتار و کردار آنان حساس هستند. بر اساس تجربه‌های بسیاری، خوش‌اخلاقی و برخورد خوب و پرجاذبه مبلغان موجب تحول افراد و جذب آنان به مکتب نورانی اهل بیت علیهم السلام شده است.

۵. بیان دستاوردها و خدمات نظام جمهوری اسلامی در کشور و مناطق قومی

جمهوری اسلامی از ابتدای تأسیس تا کنون، خدمات شایسته‌ای در عرصه‌های مختلف به‌ویژه در عرصه فرهنگی و مذهبی نموده است که باید طبق آیه شریفه «وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ»^۳ این خدمات برای مردم بازگو شود؛ اگر چه کاستی‌ها و کمبودهایی نیز به علل متعدد به‌ویژه موانع خارجی و کم‌کاری‌ها وجود دارد که باید با تلاش مضاعف آن‌ها را جبران کرد و موانع و کاستی‌ها را برطرف نمود تا کارآمدی نظام در همه مناطق به‌ویژه مناطق تلفیقی محسوس و ملموس‌تر شود. منظور از کارآمدی هر نظام، بررسی موفقیت‌ها در تحقق اهداف با توجه به امکانات

۱. حسین بن محمدتقی نوری، مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۴۵۳.

۲. محمد بن علی صدوق، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۳۵.

۳. ضحی: ۱۱.

و موانع است؛ از این رو در بررسی کارآمدی باید به سه شاخصه «اهداف»، «امکانات» و «موانع» توجه کرد. بر این اساس زمانی می‌توان کارآمدی یک نظام را بررسی کرد که موانع داخلی همچون میراث منفی حکومت‌های قبلی، گروه‌های مخالف و سنگ‌انداز داخلی، افزایش تقاضای خدمت، موانع تولید و ... و موانع خارجی مانند تحریم‌های اقتصادی، تهدیدات سیاسی و نظامی و ... مورد توجه قرار گیرد.

با بررسی این اهداف و موانع تا تحقق مطلوب و ارائه الگوی جامعه دینی و اسلامی برخوردار از حداکثر مواهب مادی و معنوی، فاصله وجود دارد؛ هر چند که در طول این سال‌ها، گام‌های اساسی و زیربنایی برداشته شده است. رهبر معظم انقلاب مدظله‌العالی در سفر سال ۱۳۸۱ به استان سیستان و بلوچستان، خاطره‌ای را در جمع مردم زاهدان بیان فرمود که حاکی از توجه و اهمیت نظام جمهوری اسلامی به مناطق محروم است. ایشان فرمود:

بعد از پیروزی انقلاب، اولین حکم مأموریتی که امام رضوان‌الله‌علیه صادر کردند، حکمی به این بنده حقیر برای سفر به استان سیستان و بلوچستان بود. من آمدم و مناطق گوناگون این استان را از نزدیک دیدم و انقلاب وظیفه خود را در قبال این استان حس کرد. از جنوبی‌ترین نقاط استان، از منطقه چابهار و نیک‌شهر و فنوج و اسپکه و غیره تا مناطق شرقی این استان، منطقه سراوان و جالق و سرباز؛ از مناطق شمالی این استان، منطقه زابل و دریاچه هامون تا غرب این استان، منطقه بزمان و دلگان و چاه‌هاشم و جازموریان و غیره خبرها گرفتم. با مردم این مناطق نشستیم، داخل کپرها رفتم و با دردها و رنج‌های این‌ها که در دوران رژیم طاغوت بر روی هم انباشته و متراکم شده بود، آشنا شدم. انقلاب خود را در قبال سیستان و بلوچستان موظف دید و کار از روزهای اول شروع شد. جهاد سازندگی و اجتماعات و جمعیت‌های مردمی خودجوش در این مناطق مشغول کار شدند. جوان‌های امروز زاهدان و چابهار نمی‌دانند که گذشته این استان چگونه بود. اگر گذشته وحشتناک زندگی در این استان تصویر شود، معلوم می‌شود که نظام اسلامی در این منطقه چه خدمات گرانبهائی را انجام داده است، اما آن حقیقتی که از یاد نمی‌رود و امیدوارم یکایک مسئولان همیشه آن را به یاد داشته باشند، این است که این استان چندین برابر آنچه که به آن خدمت شده، نیازمند خدمت است.

محرومیت‌هایی که بر اثر تسلط طولانی پادشاهان جبار و بی‌فکر و بی‌کفایت بر مردم این استان تحمیل شده است، باید در طول مدت برطرف شود.^۱

محرومیت در مناطق مرزی و قومی، مختص به استان سیستان و بلوچستان نبود؛ بلکه همه استان‌های مرزی که اهل سنت در آن حضور دارند و حتی استان‌های مرکزی نیز این محرومیت را داشتند، اما نظام اسلامی با تمام محدودیت‌ها و موانعی که برای رشد اقتصادی و ایجاد رفاه و عمرانی در این مناطق داشت، وظیفه خود دانست و خدمات خود را به همه مناطق توسعه داد.

با نگاهی کلی به خدمات و اقدامات انجام شده بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تا کنون، می‌توان اهم اقدامات و خدمات را در قالب اقدامات سیاسی، فرهنگی، آموزشی و تربیتی، حقوقی و قضایی، خدمات امنیتی، خدمات اقتصادی، رفاهی و عمرانی و ترویج و گسترش ارزش‌های اسلامی و توسعه مراکز دینی و ... برشمرد که لازم است مبلغین به تبیین آن پردازند و به صورت مناسب همراه با آمار و ارقام و مقایسه با وضعیت سابق، بیان کنند و کاستی‌ها، کمبودها و نیازهای اساسی را نیز مطالبه‌گری نمایند.

ترویج تفکرات انقلاب و دفاع از مبانی نظام مقدس جمهوری اسلامی، تبیین شخصیت امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری دامت‌السلام به عنوان رهبران جامعه اسلامی و پرچمداران دفاع از کیان امت اسلامی، حمایت از آرمان‌های ملت‌های آزاده و در خط مقدم مبارزه با استکبار و رژیم صهیونیستی، قدرشناسی از مبارزان قبل از انقلاب، رزمندگان، ایثارگران و خانواده‌های معظم شهدا، برگزاری یادواره‌های شهدای شیعه و اهل سنت به‌ویژه شهدای روحانی، از نکاتی است که مبلغین باید مدنظر قرار دهند.

۶. برنامه‌ریزی منسجم تبلیغی و همکاری با نهادهای تبلیغی

یکی از نقاط ضعف در تبلیغ، نداشتن برنامه منسجم و مناسب بر اساس داده‌ها و نیازهای حقیقی از هر منطقه است که منجر به عدم شناخت مخاطب، نیازها، آداب و رسوم می‌شود؛ در حالی که اگر با برنامه تبلیغی هدفمند همراه با شناخت دقیق بر

۱. بیانات در جمع مردم زاهدان، ۱۳۸۱/۱۲/۰۲.

اساس مشاهدات میدانی و تحلیل آمارها و داده‌ها اقدام شود، نتیجه تبلیغ مناسب و مؤثر خواهد بود. داشتن اطلس فرهنگی جامع و کامل و تجميع اطلاعات مناطق در همه مکان‌ها به‌ویژه در مناطق مشترک ضرورت دارد و باید نهادهای تبلیغی و متولیان امر تبلیغ با همکاری مبلغین، اطلس فرهنگی را تهیه کنند.

حضور تبلیغی مستمر در یک منطقه و عدم جابه‌جایی منطقه تبلیغی در صورت امکان و نبود موانع، ارتباط وسیع با همه گروه‌ها به‌خصوص نخبگان و فرهنگیان و گروه‌های مؤثر، شناخت نیازهای تبلیغی و نقاط قوت و ضعف فرهنگی، ارائه گزارش دقیق از مسائل فرهنگی و اجتماعی به نهادهای اعزام‌کننده و همکاری با نهادهای تبلیغی برای تکمیل اطلس فرهنگی، کمک شایانی در اثرگذاری تبلیغ و رفع نقاط ضعف خواهد نمود.

ارتباط با مخاطبان در طول سال به‌ویژه در مناسبت‌های ملی و مذهبی به صورت حضوری یا از طریق تماس تلفنی و ارسال پیامک در تداوم تبلیغ، مؤثر است. بهره‌مندی از فضای مجازی و شبکه‌های مجازی در گسترش تبلیغ با تشکیل گروه‌ها و کانال‌های تبلیغی نیز ضرورت دارد و ضرورت آن در عصر حاضر که بیشتر اطلاعات مردم از طریق فضای مجازی به‌دست می‌آید، بسیار بیشتر است؛ زیرا از طریق فضای مجازی به راحتی و با کمترین هزینه می‌توان مطالب دینی را به مخاطبان انتقال داد و به صورت مناسب، به شبهات و سؤالات پاسخ داد و بر استمرار و تداوم تبلیغ اثرگذار افزود.

فهرست منابع

کتاب

۱. حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه*، چاپ اول، قم: مؤسسه آل‌البیت علیه السلام، ۱۴۰۹ق.
۲. صدوق، محمد بن علی، *عیون اخبار الرضا علیه السلام*، تصحیح مهدی لاجوردی، چاپ اول، تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ق.
۳. نوری، حسین بن محمدتقی، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، چاپ اول، قم: مؤسسه آل‌البیت علیه السلام، ۱۴۰۸ق.

سایت‌ها

پایگاه اطلاع‌رسانی و دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای داماد.